

Components of Foundational Cultural Governance in the Thought of Ayatollah Khamenei

Seyed Javad Hosseini

faculty member, Imam Sadeq University (AS). Faculty of Islamic Studies and Political Science, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: s.j.hosseini66@gmail.com

 0009-0005-7897-161X

Mohammad Ali Samiee

Master of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Email: ma.samiee75@gmail.com

 0002-3799-4240-5174

Abstract

These days, the concept of cultural governance and its components is gaining attention in many countries around the world. Even in nations that have had a minimal approach to culture, culture is being used as a tool to implement the necessary policies for today's societies. The relationship between the two areas of "culture" and "governance" has been a focus for thinkers and rulers recently, and this reciprocal relationship between culture and governance holds potential for management and cultural changes in the Islamic Republic, some of which have already been realized. The main question of this research is: What are the components of foundational cultural governance in the thoughts of Ayatollah Khamenei? This research takes an inductive approach and employs a qualitative method based on grounded theory. To identify the components of foundational cultural governance, the statements and viewpoints of the leader from 1989 to 2023 were analyzed, and then 165 statements related to foundational cultural governance were gathered. For a precise content analysis, the software 2020Maxqda was used, and relevant points related to the research topic were extracted from selected paragraphs in the form of coded themes and concepts. After examining the statements, 430 propositions were extracted; in the open coding phase, 750 codes were developed; in the axial coding phase, 195 concepts were identified; and finally, from the selective coding, 43 main categories emerged, which were analyzed under four foundational components: cultural management, cultural engineering, strategic cultural management, and cultural policymaking.

Keywords: Governance, Basic culture, Ayatollah Khamenei, Foundation data.

E-ISSN: 2588-6525 / Center for Strategic Research / The Scientific Journal of Strategy

Journal of "The Scientific Journal of Strategy" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



10.22034/RAHBORD.2024.457344.1665



مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

سید جواد حسینی

عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: s.j.hosseini66@gmail.com

id 0009-0005-7897-161X

محمدعلی سمیعی

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

Email: ma.samiee75@gmail.com

id 0002-3799-4240-5174

چکیده

حکمرانی فرهنگ پایه دستگاهی مفهومی است که جاری‌سازی آن در ساحت کلان، به چرخش منظر و بنیان‌های مسلط بر ساحت سیاست‌گذاری منتج می‌شود. از یک منظر می‌توان گفت در آن، فرهنگ، نه رویکرد و زاویه دید بلکه به‌مثابه بنیان و مبنای حکمرانی مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر با توجه به زیست‌بوم و بافتار فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همچنین ارزش‌ها و هنجارهای نظام، توجه به رویکرد فوق و صورت‌بندی و سامان‌بخشی مناسبات حکمرانی و فرهنگ را ضروری می‌نماید. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که با توجه به اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه را استخراج و تدوین نماید. مؤلف در مرحله گردآوری داده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای بهره برده و در ساحت تحلیل داده‌ها بر اساس نظریه داده بنیاد پیش رفته است؛ بنابر این در مرحله نخست گفتارهای آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ مورد تحلیل قرار گرفت و در حدود ۱۶۵ گفتار که ارتباط وثیقی با پژوهش حاضر داشتند، گردآوری شد. محتوای استخراج‌شده با استفاده از نرم‌افزار Maxqda 2020 به‌صورت دقیق تجزیه و تحلیل شد و واحدهای مضمونی که تناسب غلیظ‌تری با موضوع داشتند، انتخاب و پس از صورت‌بندی در قالب کدها و مضامین پایه سامان‌دهی شدند. با بررسی گفتارها و دستیابی به حدود ۴۳۰ گزاره، ۷۵۰ مضمون پایه، ۱۹۵ مفهوم محوری و سازمان‌دهنده و در نهایت با استفاده از کدگذاری انتخابی ۴۳ مضمون فراگیر حاصل شد که می‌توان آن را در چهار کلان مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی، مهندسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی، مدیریت راهبردی فرهنگی صورت‌بندی کرد. در نتیجه این پژوهش حکمرانی فرهنگ پایه به‌عنوان یکی از اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی، در نظریه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان راهکاری کلیدی برای نیل به اهداف انقلاب اسلامی به‌طور ویژه مطرح شده است. ایشان بر این باورند که فرهنگ اسلامی، به‌عنوان یکی از اجزای اساسی هویت ملی، می‌بایست در سیاست‌های کلان کشور به‌عنوان محوری بنیادین و راهبردی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، فرهنگ پایه، آیت‌الله خامنه‌ای، داده بنیاد.



مقدمه و بیان مسئله

فرهنگ از جمله مسائلی بوده است که همواره مورد توجه سیاستمداران قرار داشته است. رابطه دو حوزه «فرهنگ» و «حکمرانی» نیز از جمله مسائل مورد توجه اندیشمندان و حکمرانان بوده است. بر اساس علوم دینی و مدرن دو رویکرد نسبت به ارتباط دو مقوله فرهنگ و حکمرانی وجود دارد، یکی از رویکردها به اصالت بخشی فرهنگ در برابر سیاست اذعان داشته و رویکرد دوم به اصلاح فرهنگ توسط سیاست می پردازد. در رویکرد اول فرهنگ به مردم واگذار شده و عملاً فرهنگ سازنده سیاست شناخته می شود؛ اما در رویکرد دوم سیاستمداران نظارت در عرصه فرهنگ را بر عهده می گیرند. در واقعیت عرصه حکمرانی، ترکیبی از این دو رویکرد به گونه های مختلف به کار برده می شود. در اینجا منظور از حکمرانی، عمل یا شیوه حکومت کردن بوده که با اعمال قدرت رهبران جوامع مختلف در مدیریت و توسعه کشورها در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر است (اکرامی، ناظمی اردکانی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). مفهوم حکمرانی و قدرت نرم توسط جوزف نای در سال ۱۹۹۰ مطرح شد (Nye, 1990). حکمرانی یا قدرت نرم، امری ضروری برای موفقیت سیاستها است (Sharp, 2004, p. 423). این نوع از قدرت به شهرت و حسن نیت یک کشور در جوامع بین المللی و انتقال اطلاعات بین دولت ها و ملت ها وابسته است. قدرت نرم، با جذب و مجذوب کردن به جای اجبار یا امتیاز دادن، برای دستیابی به خواسته ها از طریق جذابیت های فرهنگی و ایده های سیاسی ایجاد می شود (نای، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۵). از عوامل اثرگذار در حوزه حکمرانی، اندیشه و آرای رهبران دینی و فرهنگی است. آیت الله خامنه ای، رهبر انقلاب اسلامی، یکی از شخصیت های برجسته در این زمینه است که به بررسی و تدوین مؤلفه های حکمرانی فرهنگ پایه پرداخته است. البته باید به این مسئله توجه کرد که آنچه انقلاب اسلامی را از سایر انقلاب ها متمایز ساخته است، وجه فرهنگی و جنبه نرم افزار گرایانه آن، تجلی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و از جمله شاخص های اصلی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران است. این قدرت نرم انقلاب اسلامی، امکان ساقط شدن بنیان های قدرت سخت افزاری رژیم پهلوی و به چالش کشیده شدن سلطه گران جهانی را فراهم نمود (ابوالفتحی، پیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۳۰).

امروزه سیاست گذاری فرهنگی به دیدگاه های نخبگان و کارگزاران سیاسی حداقل در مرحله نظارت وابسته است و می توان بر اساس نقش نخبگان و سیاستمداران دیدگاه ها و تعاریف مختلفی از سیاست گذاری فرهنگی ارائه داد.

همچنین سیاست‌گذاری فرهنگی ابزار دولت‌ها و حاکمیت‌ها برای اثرگذاری و مدیریت حوزه امور عمومی به‌عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است که در رفتار عموم مردم، آداب و رسوم، سبک زندگی و الگوی مصرف تجلی پیدا می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای همواره به اصالت فرهنگ تأکید می‌کنند و در حوزه نظر و عمل، فرهنگ را مقدم بر عرصه سیاست و حتی اقتصاد می‌دانند. ایشان از فرهنگ به‌عنوان جهت‌دهنده همه اقدام‌های اساسی و زیربنایی جوامع بشری و شتاب‌دهنده یا کندکننده آن نام می‌برند و برای رسیدن به تمدن اسلامی فرهنگ‌سازی را در هریک از اجزای تمدنی جامعه، برترین وسیله پیشرفت و بی‌نیازکننده از ابزارهای الزام‌آور و تحکمی می‌دانند (سمیعی، ۱۴۰۲: ۲۵). با توجه به منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، همان‌طور که اشاره شد فرهنگ داری جایگاه اثرگذار بوده، البته برخی معتقدند تاکنون، صورتی تقلیل یافته از بیانات و منویات رهبری در این مسیر محقق شده که در قالب مفهوم پیوست‌نگاری فرهنگی قابل مشاهده است. به همین دلیل در خلأ رویکرد حکمرانی فرهنگ‌پایه، مسائل حکمرانی از دریچه اقتصادی یا سیاسی و امنیتی صرفاً مد نظر قرار می‌گیرند و به فرهنگ تنها به‌عنوان پیوستی تزیینی برای سایر حوزه‌های مأموریتی نگریسته می‌شود. این نگاه منجر به سردرگمی حاکمیت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، تشتت نظری و عملی سیاست‌گذاران و کارگزاران در خصوص سیاست‌ها، اقدامات و درنهایت ایجاد ترکیبی ناهمگون از رویکردهای نئولیبرالیستی، سوسیالیستی، اسلام‌گرایانه و ... برای فهم نظام مسائل کشور شده است. بنابر این تبیین و تفسیر مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در افکار آیت‌الله خامنه‌ای در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی و ارتقای سطح فرهنگ و اخلاق در جامعه ضرورت می‌یابد. هدف اصلی این مقاله تبیین مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است. این پژوهش اکتشافی است و دارای فرضیه نیست. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

پس از بررسی پژوهش‌ها و مطالب مرتبط با موضوع این پژوهش، می‌توان مطالعات گذشته را در دو سطح از حیث محتوا تقسیم کرد؛ الف. آثاری که به تحلیل نقش فرهنگ در حکمرانی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است:

جمشیدی (۱۴۰۰) در کتاب درآمدی بر اندیشه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای؛ به صورت تحلیلی و منظومه‌وار دیدگاه‌های فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای را بیان کرده و اندیشه‌های فرهنگی ایشان را در قالب منظومه فکری به صورت نظام‌مند و ساختارمند بیان کرده است. این اثر به ساخت‌های معرفتی و فکری و همچنین نموده‌ها و مصداق‌های عینی اندیشه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای نیز می‌پردازد.

غفاری (۱۳۹۴) در کتاب از نیمه خرداد پس از معرفی اندیشه و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به تبیین و تفهیم اندیشه و رفتارهای ایشان می‌پردازد.

علی شیری (۱۳۸۸) با عنوان طراحی سیستم فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری به بررسی ابعاد گوناگون فرهنگ جمهوری اسلامی ایران پرداخته و بیانات مقام معظم رهبری به عنوان ولی فقیه و سیاست‌گذار کلان کشور را به عنوان مبنا برگزیده است تا آن‌ها را در قالب بیانیه، مأموریت و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تبیین نماید.

صحرائی و همکاران (۱۳۹۹) به وسیله روش‌های نظریه‌پردازی داده بنیاد، با رویکرد تفسیری و هدف کاربردی، الگوی بومی برای رهبری راهبردی و هدایت سازمان‌های فرهنگی را تدوین کرده است که با توجه به دیدگاه‌ها و نظرات رهبر معظم انقلاب، به بهبود عملکرد و ارتقای اهداف این سازمان‌ها کمک خواهد کرد.

شریعتی (۱۳۹۳) در پژوهشی بررسی می‌کند که چگونه فرهنگ به عنوان یک راهبرد مؤثر در جنگ نرم مورد استفاده قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که دشمنان جمهوری اسلامی با تغییر باورها و نگرش مردم، به تهاجم فرهنگی و تهدید استقلال کشور و دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌پردازند؛ اما راهبردهای مدیریت بحران فرهنگی و مصون‌سازی جامعه در برابر این تهاجمات هنوز تدوین نشده است. هدف این مقاله، تدوین راهبردهای بهینه برای مدیریت بحران و مصون‌سازی جامعه در برابر تهاجم فرهنگی و نفوذ فرهنگ غربی است.

ب: آثاری که به برخی از مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای اشاره دارد:

جهانبین (۱۳۹۷) به تبیین دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مدیریت فرهنگ با استفاده از روش کیفی پرداخته است و بر اساس مفاهیم کلیدی و اصول آن به الگوی مدیریت فرهنگ از منظر آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد.

صمدیان (۱۳۹۳) به واکاوی مفهوم مهندسی فرهنگی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پرداخته و نتایج آن نشان می‌دهد که رسیدن به فرهنگ متعالی و

ارزش‌های اسلامی، فلسفه وجودی رسالت نظام جمهوری اسلامی است. همچنین مدیریت و مهندسی فرهنگی می‌تواند موجبات تحول در جامعه را فراهم کند. وظیفه برنامه‌ریزی حوزه فرهنگ به عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است و مردم نیز می‌توانند به‌عنوان صاحبان و مروجان فرهنگ، شرکای مدیریت نظام فرهنگی باشند. قیدرلو و جان قربان (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان زیست‌بوم فرهنگی؛ چهارچوبی برای فرهنگ و الگوی حکمرانی فرهنگ پایه در جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده‌اند. در این پژوهش مفهوم حکمرانی فرهنگ پایه به معنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تحقق اصول مبتنی بر اصالت بخشی به فرهنگ مطلوب معیار است. این فرهنگ معیار در نظام جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ انقلاب اسلامی با مبانی و خاستگاه‌های معرفتی بر اساس آموزه‌های اسلامی شیعی است؛ که عدم توجه به این رویکرد در عرصه حکمرانی مهم‌ترین عامل شکل‌گیری سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متضاد در عرصه‌های مختلف حکمرانی و اقدامات پراکنده، مقطعی، غیرفرهنگی و بعضاً ضد فرهنگی است. در نتیجه این پژوهش ساختار حکمرانی بر دو مبنای مرجعیت عرفی دین و تحقق رفاه به قید سعادت بازطراحی شده است. در ادامه به بررسی برخی از منابع بین‌المللی مرتبط با موضوع نیز می‌پردازیم.

«استیفن بانگای»^۱ و «میشل گولد»^۲ (۱۹۹۱) تحقیقی درباره آفرینش یک نظام کنترل استراتژیک فرهنگی انجام داده‌اند. این پژوهش با تمرکز بر کنترل استراتژیک فرهنگی و فرایند توسعه آن ارائه و در نتیجه، هفت عامل اصلی از ویژگی‌های الگوی فرهنگی شناسایی شده‌اند که در پرسش‌نامه استاندارد برای اندازه‌گیری این عوامل مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ این عوامل شامل «سازگاری»، «مسئولیت‌پذیری»، «پاداش»، «صمیمیت و حمایت»، «رهبری استانداردها» و «شفافیت سازمانی» هستند.

«هچ»^۳ (۱۹۹۳) در کتاب تئوری سازمان، پویایی‌های فرهنگی را بررسی کرده و اینکه فرهنگ چگونه از مصنوعات، نمادها، ارزش‌ها و مفروضات تشکیل شده است و چگونه تعاملات بین این عناصر به تغییرات در فرهنگ منجر می‌شود. این ارتباطات دوطرفه باعث پایداری فراگردهای توصیف‌شده در مدل شده و هر تلاشی برای تغییر در فرهنگ، تأثیرات گسترده‌ای را در پی دارد.

1. Bungay, S

2. Goold, M

3. Hatch

«شاین»^۱ (۱۹۹۲) در کتاب «فرهنگ‌سازمانی و رهبری» به تبیین مفاهیم کلی فرهنگ‌سازمانی و ارتباط آن با رهبری پرداخته است و فرهنگ‌سازمانی را به‌عنوان مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها برای مسائل داخلی و خارجی سازمان معرفی می‌کند. مطالعات پیشین در حوزه حکمرانی فرهنگ‌پایه، عمدتاً از دیدگاه‌های اسلامی، علمی و تخصصی بوده‌اند و از منابع و مستندات علمی بهره گرفته‌اند و از تنوع موضوعی و مفهومی بالایی برخوردار بوده‌اند، اما از لحاظ بررسی حکمرانی فرهنگ‌پایه، دارای خلأ بوده‌اند. در مطالعات پیشین، مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه بر اساس اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای ارائه نشده است؛ بنابر این، پژوهش حاضر دارای نوآوری است زیرا تاکنون کاری مختص به حکمرانی فرهنگ‌پایه که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای باشد و از انسجام لازم برخوردار باشد، صورت نگرفته است. در این پژوهش تلاش شده است خلأ تبیین حکمرانی فرهنگ‌پایه در سبک رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در پژوهش‌های گذشته وجود داشته است را پوشش دهیم و با ارائه حکمرانی فرهنگی در اندیشه و عمل رهبر معظم انقلاب، مباحث موجود اعم از مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در اندیشه ایشان که شامل تفکر فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی و اجرای سیاست‌های کلان فرهنگی است را تبیین و بررسی نماییم.

۲. چهارچوب مفهومی و نظری

در این بخش ابتدا به تعریف مفاهیم اصلی پژوهش پرداخته می‌شود و سپس بنیادهای نظری پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

۲-۱. فرهنگ

واژه فرهنگ از ریشه مذهبی در زبان لاتین می‌آید و در زبان‌های دیگر به معانی مختلفی استفاده می‌شود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۷۰). در جامعه‌شناسی، فرهنگ به معنای دانش، هنر، اخلاق و رسوم استفاده می‌شود. اندیشمندان غربی تعاریف مختلفی از فرهنگ ارائه داده‌اند، از جمله تعاریفی که فرهنگ را به‌عنوان مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها می‌داند و تعاریفی که آن را به‌عنوان وسیله‌ای برای حل مسائل می‌شناسد. رالف لینتون فرهنگ را به‌عنوان راه و رسم زندگی اعضای یک جامعه معرفی کرده

است و اندیشمندان دیگر نیز تعاریف مختلفی از فرهنگ ارائه داده‌اند (آشوری، ۱۳۹۳: ۵۲). درنهایت، یک تعریف جامع از فرهنگ بسیار دشوار به نظر می‌رسد. به‌طور کلی فرهنگ از دیدگاه اندیشمندان غربی از شش لایه تشکیل شده است که شامل باورها، ارزش‌ها، هنرهای، نمادها و اسطوره‌ها، آیین‌ها و آداب و رسوم است (آشوری، ۱۳۹۳: ۷۵).

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تاکنون تعریفی مجزا از فرهنگ ارائه نداده‌اند. با رجوع به منابع مختلف جهت دستیابی به تعریف فرهنگ از منظر ایشان نشان می‌دهد که ایشان به فرهنگ به‌عنوان یک مفهوم گسترده و اساسی در جامعه نگاه می‌کنند و فرهنگ را به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، صفات مطلوب، بایدها، واجبات و ... تعریف می‌کنند. این تعریف نشان می‌دهد، فرهنگ نه تنها شامل عناصر مادی مانند لباس و معماری است، بلکه شامل باورهای ذهنی و خصلت‌های اخلاقی یا به تعبیری عناصر معنوی نیز می‌شود و همچنین به اهمیت جایگاه فرهنگ در تصمیم‌گیری‌های کلان نظام، سیاست‌های کلان آموزشی، علمی و رفتار عمومی جامعه می‌توان اشاره کرد. ایشان فرهنگ را یک عامل مهم در شکل‌دهی هویت جامعه و تصمیم‌گیری‌های مهم اجتماعی می‌دانند؛ بنابر این از دیدگاه ایشان، فرهنگ نقش مهمی در روح جامعه و شکل‌دهی به هویت جامعه دارد و همچنین دارای ارتباط وثیق با اصول دینی و مذهبی دارد (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۴۶-۵۲).

۲-۲. سیاست

سیاست به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم و حیاتی در زندگی انسانی، همواره مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. این مفهوم از زمان‌های گذشته تا به امروز در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها مورد توجه بوده و همچنان ادامه دارد؛ بنابر این، تعریف سیاست و نگاه به آن از اهمیت بسیاری برخوردار است.

سیاست از واژه یونانی Polis به معنای شهر گرفته شده است؛ در یونان باستان، شهر و دولت تفکیک‌ناپذیر بودند (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۳). مفهوم سیاست از جهت اصطلاحی در اندیشه سیاسی به سه معنای کسب، حفظ و اعمال قدرت دولت و اداره امور همگانی آمده است (نقیب زاده، ۱۳۸۰: ۲۴). مفهوم سیاست گسترده‌ترین عرصه حیات فردی و اجتماعی انسان را در اختیار گرفته است (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۵۶).

به‌طور کلی چهار دسته تعریف از مفهوم سیاست از منظر اندیشمندان غربی مطرح شده است. این دسته‌ها شامل تعاریفی است که سیاست را به‌عنوان علم مطالعه

دولت، یک نهاد رسمی و اجتماعی، قدرت مطلق و یک نوع رفتار معرفی می‌کنند. این تعاریف مختلف نشان می‌دهند که مفهوم سیاست از دیدگاه‌های مختلفی قابل تفسیر است و می‌تواند شامل ابعاد مختلفی از جامعه و انسان باشد. این نگرش‌ها نشان می‌دهد که سیاست به عنوان یک مفهوم گسترده و چندبعدی، از زوایای مختلفی قابل بررسی و تفسیر است (اخترشهر، ۱۳۸۵: ۱۴).

در این پژوهش، مفهوم سیاست به مثابه حکمرانی مد نظر قرار گرفته است که در دهه‌های اخیر در ادبیات علوم سیاسی مطرح شده است و در نگرش‌های ایدئالیستی، کارکردگرایانه و سازمانی دولت و حکمرانی مورد بحث قرار گرفته است. این مفهوم، سیاست را فراتر از فعالیت‌های دولت و حکومت در نظر می‌گیرد که شامل مشارکت و همکاری همه ذی‌نفعان جامعه است. برخی از تعاریف اندیشمندان از مفهوم سیاست به معنای حکمرانی شامل موارد زیر می‌شود؛

❖ دیوید ایستون: حکمرانی به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که در آن، بازیگران مختلف، از جمله دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و مردم، با یکدیگر تعامل و همکاری می‌کنند تا اهداف مشترک را محقق سازند (Easton, 1965)؛

❖ رابرت دال: حکمرانی به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که در آن، قدرت برای تصمیم‌گیری در مورد امور عمومی، بین بازیگران مختلف جامعه توزیع می‌شود (Dahl, 1971)؛

❖ پل پیترز: حکمرانی فرایندی است که در آن، منابع و امکانات جامعه، برای تحقق اهداف مشترک، مدیریت می‌شوند (Peter J, 2011)؛

❖ اندرو هیوود: حکمرانی به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که در آن بازیگران مختلف، از جمله دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و مردم، با یکدیگر تعامل و همکاری می‌کنند تا اهداف مشترک را محقق سازند. وی همچنین ویژگی‌های اصلی دولت را با عنوان‌های حکمرانی، قدرت مطلق، عمومی بودن نهادهای دولتی، مشروعیت و ابزار سلطه معرفی کرده است (Heywood, 2008).

این تعاریف، نشان می‌دهند که مفهوم سیاست به معنای حکمرانی، مفهومی گسترده و همه‌جانبه است که در آن، افراد و گروه‌ها برای دستیابی به اهداف و منافع مشترک خود، با یکدیگر تعامل و همکاری می‌کنند. در این مفهوم دولت و حکومت نقش مهمی ایفا می‌کنند و می‌توانند با ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت و

همکاری ذی‌نفعان جامعه، به بهبود کیفیت سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها کمک کنند (هیوود، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۳۱). از جمله مزایای این مفهوم عبارت‌اند از:

- بهبود کارایی سیاست‌گذاری؛
- افزایش رضایت عمومی؛
- افزایش ثبات سیاسی.

در بررسی مفهوم سیاست از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، با رجوع به منابع مختلف دریافتیم که ایشان سیاست را به‌مثابه خدمت به گسترش آرمان‌های اسلامی و تحقق حیات طیبه اسلامی تعریف می‌کند. بر اساس دیدگاه ایشان، سیاست باید با عدالت، علم و دین همراه باشد و قدرت، عدالت و حکمت الهی باید در اداره امور مردم حاکم باشد. ایشان بر این باورند که انسان‌ها باید به کمالات بشری دست یابند و این امر باید از ویژگی‌های اساسی سیاست اسلامی باشد. آیت‌الله خامنه‌ای، در تعریف سیاست معتقد است که سیاست نه‌تنها به مسائل دولتی و اجتماعی مربوط نیست، بلکه به‌تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان تأثیر می‌گذارد؛ بنابر این، سیاست به‌عنوان یک فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب، در تمامی زمینه‌ها و ابعاد زندگی انسانی حضور دارد. به نظر ایشان، سیاست به معنای تلاش برای بهبود و تحول در جوامع انسانی است. ایشان اعتقاد دارند که هدف اصلی سیاست، ایجاد توسعه و پیشرفت در جوامع است و باید به نحوی باشد که به رضایت و خوشبختی مردم منجر شود؛ بنابر این، سیاست به‌عنوان یک ابزار برای رسیدن به اهداف مشترک و تحقق ارزش‌های انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، سیاست باید به‌عنوان یک وظیفه و مسئولیت اخلاقی در نظر گرفته شود. همچنین سیاستمداران باید با اخلاق و اصول انسانی همراه باشند و تصمیم‌گیری‌های خود را بر اساس ارزش‌های اخلاقی و اسلامی انجام دهند؛ بنابر این، سیاست باید به‌عنوان یک فرصت برای خدمت به مردم و بهبود شرایط زندگی آن‌ها در نظر گرفته شود (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۵۶-۶۰). این تعریف جامع و کامل از سیاست، نشان‌دهنده دیدگاه انسان‌محور و اخلاقی آیت‌الله خامنه‌ای به این مفهوم است و می‌تواند به‌عنوان یک مبنای مهم برای تحلیل و بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی استفاده شود.

۳-۲. حکمرانی

با توجه به اینکه مفهوم سیاست در این پژوهش به‌مثابه حکمرانی در نظر گرفته‌شده، ضرورت دارد به بررسی مفهوم حکمرانی به‌صورت مجزا پرداخته شود. واژه حکمرانی

از واژه یونانی kybernan گرفته شده و به معنای هدایت و راهنمایی کردن است (اکبری، ۱۳۸۶: ۸۴). این مفهوم میان‌رشته‌ای در جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، علوم سیاسی و مدیریت مورد بررسی قرار می‌گیرد. مفهوم حکمرانی، سیاست‌گذاری یا خط‌مشی‌گذاری از جمله مفاهیم متأخر علوم دانشگاهی است. پژوهشگران این حوزه به تحول قدرت سلسله‌مراتبی و ناکارآمدی دولت‌ها پرداخته‌اند و به دنبال تغییر ساختار سنتی قدرت و تأکید بر نهادهای موازی دولت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها هستند. به‌طور کلی تعریف این مفهوم عبارت است از: «خط‌مشی یا سیاست مجموعه‌ای از اقدامات ثابت و هدفمند است که به‌وسیله فرد یا مجموعه‌ای از بازیگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه دنبال می‌شود» (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۲۳) بر اساس تعریف مطرح‌شده، پژوهشگران «مجموعه اقدامات هدفمند که به‌وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود» (اشترین، ۱۳۸۶: ۲۷) را حکمرانی دانسته‌اند و معتقدند خاستگاه آن عکس‌العملی به تقاضاهای روزافزون جامعه و نهادهای عمومی آن از سوی سیاست‌دانان برای حل مشکلات و بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اداری است (اشترین، ۱۳۸۶: ۱۱). به‌طور مثال حکمرانی فرهنگ، تعیین خطوط عریضی است که جامعه باید در عرصه فرهنگی آن را در نظر داشته باشد (وحید، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۸).

۴-۲. رابطه سیاست و فرهنگ

در قرن جدید، یکی از دغدغه‌های محوری اندیشمندان و فیلسوفان در حوزه انسان‌گرایانه، رابطه سیاست و فرهنگ است، اساساً تأثیری که فرهنگ و سیاست در شکل‌گیری یکدیگر در ابعاد مختلف دارند، همیشه آشکارتر از تفکیک این دو مقوله بود. با مطالعه و تأمل در تألیفات برجسته‌ترین متفکران این حوزه مشخص می‌شود که در مورد تقدم و عقب‌ماندگی یا تأثیر متقابل رابطه دو مقوله فرهنگ و سیاست نظر یا اتفاق نظر مشابهی بین اندیشمندان وجود نداشته است (باباخانی، افتخاری، ۱۳۹۵: ۵۸).

«توماس الیوت»^۱ در یادداشتی درباره سیاست و فرهنگ می‌نویسد: «امروز می‌بینیم که فرهنگ توجه سیاستمداران را به خود جلب می‌کند. این وظیفه دولت است که آن را ترویج کند» (بامداد، ۱۳۹۵: ۲۶). به‌طور کلی، نظرات متفکران مختلف در

1. Thomas Stearns Eliot

مورد رابطه فرهنگ و سیاست به سه دسته تقسیم می‌شود که نظریات حکمرانی فرهنگ پایه نیز در ذیل این سه دسته نیز قابل طرح است؛

۴-۱. فرهنگ‌گرایان

بیشتر جامعه‌شناسان بر روی نقش عوامل تاریخی- فرهنگی خاص در شکل‌دهی به سیاست تمرکز داشته‌اند. بسیاری از دانشمندان اجتماعی، فرهنگ را به‌عنوان اساس تحول سیاست و سایر جنبه‌های جامعه می‌دانند و باور دارند که فرهنگ نقش اساسی در جامعه دارد. حامیان این نظریه فرهنگ را شامل تمام اعمال اجتماعی می‌بینند و باور دارند که فرهنگ جنبه‌های مادی و غیرمادی زندگی انسان مانند عادات و باورها، درک‌ها و رفتارهای فردی و جمعی را تنظیم می‌کند. آن‌ها ادعا می‌کنند که به دست آوردن قدرت سیاسی تنها از طریق کسب قدرت فرهنگی امکان‌پذیر است. ازجمله نظریه‌پردازانی که بر پدیده فرهنگ و قدرت فرهنگی در تفکر سیاسی تأکید کرده‌اند، آنتونیو گرامشی است. دیدگاه‌های دیگر اندیشمندان مانند «مالینوفسکی»^۱، «گی روشه»^۲، «گیرتز»^۳، «آیزنشتاد»^۴، «دوتوکویل»^۵ و برخی دیگر در این مکتب فکری قرار دارد. مالینوفسکی باور دارد که فرهنگ تمام جنبه‌های زندگی انسان را در برمی‌گیرد. گی روشه فرهنگ را به‌عنوان یک سیستم می‌بیند که عناصر آن یک کلیت جامع و گسترده را نسبت به یکدیگر ایجاد می‌کنند. روسو، جامعه‌شناس فرانسوی، نقش‌های اجتماعی مانند نقش پدر یا مادر را به‌عنوان یک مجموعه خاصی از الگوهای رفتاری می‌بیند که الگوهای مختلفی از رفتارهای اجتماعی ایجاد می‌کنند (کازمی، ۱۳۸۰: ۱۲۸-۱۲۹).

نظریه حکمرانی فرهنگ پایه به اولویت‌بخشی به فرهنگ در حکمرانی توجه دارد. اندیشمندان این دیدگاه معتقدند که نظام‌های مختلف باید بر اساس فرهنگ قرارگرفته شوند و حکمرانی باید بر اصل زیربنایی فرهنگ متمرکز شود. در این نظریه، قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومت وجود دارد و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس روابط پیچیده بین بازیگران فرهنگی انجام می‌شود. این نظریه توافقی بین اولویت‌ها و سلاقی رقیب و متضاد برقرار می‌کند.

-
1. Bronislaw Malinowski
 2. Guy Rocher
 3. Clifford James Geertz
 4. Shmuel Noah Eisenstadt
 5. Tocqueville

۲-۴-۲. سیاست‌گرایان

برخی اندیشمندان به این نظریه اعتقاد دارند که فرهنگ در خدمت سیاست قرار گرفته و قدرت فرهنگ، نتیجه شرایط اجتماعی است. از دیدگاه «مارکس»^۱، سیاست و فرهنگ بازتابی از شرایط اجتماعی است و قدرت فرهنگ‌ها تابع قدرت اجتماعی گروه‌های حامی یا حامل آن فرهنگ‌ها است. همچنین انتقاداتی وارد شده که غالباً فرهنگ، قدرت سیاسی را مایه گسترش خود قرار داده و هیچ نظام فرهنگی بدون قدرت توسعه نخواهد یافت (ملکی، ۱۳۹۷: ۹).

۲-۴-۳. تعامل سیاست و فرهنگ

در نظریه تعامل فرهنگ و سیاست، تأثیر فرهنگ بر نظام سیاسی و بالعکس مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تعامل بین فرهنگ و سیاست نشان می‌دهد که هر نظام سیاسی مسئولیت‌های اجرایی و اخلاقی خود را دارد، از جمله حفظ ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول و منافع ملی. نظریه‌های نظام‌گرا یا سیستماتیک مبنا، تعامل‌گرایی فرهنگ و سیاست را تأیید می‌کنند و امکان تفکیک زیرسیستم‌ها و حفظ ساختار کلی را فراهم می‌کنند. نظریه‌پردازان مختلف، از جمله «جرج زیمل»^۲، «تالکوت پارسونز»^۳، «ژرژ بالاندیه»^۴ و «ماکس وبر»^۵ به تعامل و تأثیر متقابل بین فرهنگ و سیاست معتقد هستند (انتظاری، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۷).

۲-۵. نظریه حکمرانی فرهنگ پایه

حکمرانی فرهنگ پایه، مفهومی است که در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان و سیاست‌مداران قرار گرفته است. این مفهوم، بر اهمیت حکمرانی فرهنگ پایه و نقش آن در جامعه تأکید دارد. نظریات مختلفی در مورد حکمرانی فرهنگ پایه وجود دارد. برخی از اندیشمندان، حکمرانی فرهنگ پایه را وظیفه حکومت می‌دانند. برخی دیگر، معتقدند که حکمرانی فرهنگ پایه، وظیفه مردم و نهادهای فرهنگی است. در ادامه، برخی از دیدگاه‌های اندیشمندان در رابطه با حکمرانی فرهنگ پایه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

1. Karl Heinrich Marx
2. Georg Simmel
3. Talcott Parsons
4. George Balandieh
5. George Balandieh

❖ «علامه محمدتقی جعفری»، فیلسوف و فقیه شیعه معتقد است که فرهنگ، اساس هر جامعه‌ای است و تقویت و حمایت از فرهنگ، نقش مهمی در حفظ هویت اسلامی جوامع دارد. به اعتقاد او حکمرانی فرهنگ پایه، باید بر اساس ارزش‌های اسلامی باشد و دولت از فرهنگ‌هایی که با ارزش‌های اسلامی سازگار هستند حمایت کند و زمینه‌های لازم برای حفظ فرهنگ اسلامی را فراهم کند (جعفری، ۱۳۷۳: ۴۰۵-۴۰۶).

❖ «جان بورج»^۱ (۲۰۰۳) معتقد است که «حکمرانی فرهنگ پایه باید براساس مشارکت مردم و حاکمیت قانون باشد. مردم باید در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی مشارکت داشته باشند و دولت باید از طریق قانون، زمینه‌های لازم برای تقویت و حمایت از فرهنگ پایه را فراهم کند».

❖ «جان راثبیل»^۲ (۲۰۰۸) معتقد است، حکمرانی فرهنگ پایه باید بر اساس تنوع فرهنگی باشد. دولت باید از فرهنگ‌های مختلف در جامعه حمایت کند و زمینه‌های لازم برای حفظ تنوع فرهنگی را فراهم کند.

❖ «هوارد گاردنر»^۳ (۲۰۱۱) معتقد است که حکمرانی فرهنگ پایه، می‌بایست بر اساس عدالت فرهنگی باشد. دولت باید از همه فرهنگ‌ها در جامعه حمایت کند و زمینه‌های لازم برای دسترسی همه مردم به فرهنگ را فراهم سازد.

درنهایت، باید توجه داشت که حکمرانی فرهنگ پایه، مفهومی جدید است که هنوز در حال توسعه است. اندیشمندان در تبیین این مفهوم، تلاش کرده‌اند تا نقش مهم فرهنگ پایه در توسعه پایدار جوامع را برجسته کنند.

۲-۵-۱. تفاوت حکمرانی فرهنگی و حکمرانی فرهنگ پایه

حکمرانی فرهنگی و حکمرانی فرهنگ پایه، دو مفهوم کلیدی در عرصه سیاست فرهنگی هستند که با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند؛

1. Bourg, J
2. Rathbille, J
3. Gardner, H

❖ حکمرانی فرهنگی، به معنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه و ترویج فرهنگ است. این مفهوم، از منظری دیگر، به معنای مدیریت و اداره عرصه فرهنگ نیز هست. در حکمرانی فرهنگی، فرهنگ به‌عنوان یک حوزه مستقل از سایر حوزه‌های اجتماعی تلقی می‌شود؛ بنابر این، سیاست‌های فرهنگی در این رویکرد، معمولاً به‌صورت مجزا از سایر سیاست‌های اجتماعی اتخاذ می‌شوند؛

❖ حکمرانی فرهنگ‌پایه، مفهومی جدیدتر است که در سال‌های اخیر در عرصه سیاست فرهنگی مطرح شده است. این مفهوم، بر این اساس استوار است که فرهنگ، اساس و زیربنای سایر حوزه‌های اجتماعی است؛ از همین‌رو، حکمرانی فرهنگ‌پایه، به معنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه و ترویج فرهنگ به‌عنوان یک زیربنای اساسی برای سایر حوزه‌های اجتماعی است؛

همچنین تفاوت‌های اصلی میان حکمرانی فرهنگی و حکمرانی فرهنگ‌پایه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

❖ دیدگاه نسبت به فرهنگ: در حکمرانی فرهنگی، فرهنگ به‌عنوان یک حوزه مستقل از سایر حوزه‌های اجتماعی تلقی می‌شود. درحالی‌که در حکمرانی فرهنگ‌پایه، فرهنگ، اساس و زیربنای سایر حوزه‌های اجتماعی است؛

❖ رویکرد به سیاست‌گذاری فرهنگی: در حکمرانی فرهنگی، سیاست‌های فرهنگی معمولاً به‌صورت مجزا از سایر سیاست‌های اجتماعی اتخاذ می‌شوند. درحالی‌که در حکمرانی فرهنگ‌پایه، سیاست‌های فرهنگی باید در ارتباط و تعامل با سایر سیاست‌های اجتماعی اتخاذ شوند؛

❖ هدف حکمرانی: هدف حکمرانی فرهنگی، توسعه و ترویج فرهنگ است. درحالی‌که هدف حکمرانی فرهنگ‌پایه، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر فرهنگ مطلوب است (قیدرلو، جانقریان، ۱۴۰۱: ۲۸).

۲-۵-۲. حکمرانی فرهنگ‌پایه: دو رویکرد و تفاوت‌های آن‌ها

در حکمرانی فرهنگ‌پایه دو رویکرد را می‌توان اتخاذ کرد که در ادامه این رویکردها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولین رویکرد، حکمرانی فرهنگ‌پایه به مفهوم ارتقای دسترسی به محصولات فرهنگی، از جمله کالاها و خدمات فرهنگی، تعبیر می‌شود. این مفهوم به معنای ارتقای فرهنگ و همچنین جهانی‌سازی است و می‌تواند به‌عنوان یک مبنای بین‌المللی برای استفاده از قدرت نرم در سطح جهانی مورد استفاده قرار گیرد. در این رویکرد، حکمرانی فرهنگ‌پایه در واقع به معنای مدیریت امور فرهنگی است. به‌عنوان مثال، افزایش تعداد سالن‌های سینما، نمایش، کنسرت، تولید فیلم‌های سینمایی، توسعه گردشگری و سایر امور فرهنگی، همگی زیر مفهوم حکمرانی فرهنگ‌پایه قرار می‌گیرند که خروجی آن توسعه امور فرهنگی است. این تعریف به تفکیک فرهنگ از سایر حوزه‌های اجتماعی استوار است و نشان‌دهنده اهمیت حکمرانی فرهنگ‌پایه در ارتقای فرهنگ و توسعه امور فرهنگی است؛ این رویکرد دو ضعف عمده دارد:

۱. ایجاد زمینه‌های شکاف طبقاتی بیشتر: این رویکرد ممکن است منجر به افزایش شکاف‌های اجتماعی و احساس نابرابری شود، زیرا تمرکز بر ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی ممکن است منجر به ایجاد تفاوت‌های طبقاتی و افزایش گسست اجتماعی شود. عدم توجه به نیازهای تمامی اقشار جامعه می‌تواند منجر به ایجاد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی شود؛
 ۲. توجه زیرساختی به امور فرهنگی بدون لحاظ کردن ابعاد نرم‌افزاری: این رویکرد ممکن است فقط به توسعه زیرساخت‌های فرهنگی توجه کند و ابعاد نرم‌افزاری مانند آموزش و ترویج فرهنگ و هنر، ترویج ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را نادیده بگیرد. این موضوع می‌تواند منجر به عدم توسعه کامل فرهنگ و هنر و عدم ترویج ارزش‌های فرهنگی در جامعه شود.
- اما در رویکرد مد نظر این پژوهش، حکمرانی فرهنگ‌پایه، به‌عنوان یک رویکرد مبتنی بر فرهنگ مطلوب، به تأکید بر اصول و مبانی فرهنگی خود و تحقق اهداف خود بر اساس آن‌ها می‌پردازد. این رویکرد مبتنی بر اصول و مفاهیم اسلامی شیعی، به‌عنوان معیار انقلاب اسلامی، تعریف می‌شود و نظام جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس آن اقدام کند. این رویکرد حکمرانی فرهنگ‌پایه، به‌عنوان یک الگوی سیاست‌گذاری مبتنی بر فرهنگ، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. به‌عنوان یک رویکرد مبتنی بر فرهنگ، حکمرانی فرهنگ‌پایه به معنای توانایی دولت در ایجاد و اجرای قوانین و ارائه خدمات با محوریت فرهنگ مطلوب معیار (در اینجا فرهنگ انقلاب

اسلامی) است. این رویکرد نیازمند طراحی الگوی سیاست‌گذاری مبتنی بر فرهنگ و برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف فرهنگی است (قیدرلو، جانقران، ۱۴۰۱: ۲۸-۳۰).
مهم‌ترین وجه تمایز این رویکرد، رسمیت‌بخشی به فرهنگ مطلوب عرفی، به‌عنوان یکی از اصول حکمرانی فرهنگی، نشان‌دهنده تأکید بر ارزش‌ها، اخلاق و عرف‌های مطلوب در جامعه است. این موضوع به معنای تأکید بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در انجام سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی است. همچنین، تغییر رویکرد حکمرانی انقلاب اسلامی از نگاه پیوست‌نگارانه و پیوستی به عرصه فرهنگ و جایگزینی آن با رویکرد طراحی فرهنگی، به معنای تغییر در شیوه فعالیت‌ها و سیاست‌های دولتی است. این تغییر رویکرد به معنای تأکید بر طراحی و برنامه‌ریزی سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی بر اساس اصول و مفاهیم فرهنگی مطلوب است. این امر نشان‌دهنده تأکید بر ارتباط و هماهنگی بین فرهنگ و حکومت است و نقش مهمی در تحقق اهداف فرهنگی دارد.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد که یک روش کیفی تحقیق است (Strauss & Corbin, 1998)، برای بررسی موضوع مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شده است. این روش اجازه می‌دهد تا از داده‌های واقعی مانند بیانات، خطبه‌ها، پیام‌ها، احکام، فرمان‌ها، یادداشت‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شود که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع حکمرانی فرهنگ‌پایه اشاره دارد تا به درک عمیق‌تری از موضوع موردنظر رسیده شود؛ این پژوهش به دلیل استفاده از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد و تمرکز بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، در زمینه تحقیقات اکتشافی قرار می‌گیرد. منابع اصلی مورد مطالعه در این فرایند، سایت رسمی رهبر معظم انقلاب و نرم‌افزار حدیث ولایت بوده است و تلاش شده است تا تمامی بیانات ایشان در ارتباط با موضوع مورد بررسی و استخراج گردد. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که ۱۶۵ مورد از بیانات و رهنمودهایی مورد بررسی قرار گرفته است که در آن به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع حکمرانی فرهنگ‌پایه اشاره شده و مضاف بر آن بیانات و ابلاغیه‌های ایشان نسبت به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز مد نظر قرار گرفته است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

این پژوهش با استفاده از روش داده بنیاد با رهیافت نظام‌مند صورت گرفته است. طبق رویکرد نظام‌مند، نظریه‌پردازی در سه‌گام اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام می‌شود. در این پژوهش، جدولی ارائه شده‌اند که نکات کلیدی و همچنین مقوله‌بندی مفاهیم حاصل از کدگذاری‌ها را نشان می‌دهند. این پژوهش به بررسی حکمرانی فرهنگ پایه از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌پردازد و از کلمات کلیدی مرتبط با این موضوع استفاده می‌کند. از ۶۸۰ مورد سخنرانی و مکتوبات مرتبط با فرهنگ، ۱۶۵ مورد انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این سخنرانی‌ها بر اساس نمونه‌گیری نظری و جهت‌دار انتخاب شده‌اند تا ویژگی‌ها و مفاهیم مورد نظر از حیث کیفی بررسی شوند. در نهایت این پژوهش از ۴۳۰ فیش مرتبط با حکمرانی فرهنگ پایه استفاده کرده و بر این اساس کدهای باز تعیین شده است.



شکل ۱: فرایند انجام روش نظریه‌پردازی داده بنیاد

۴-۱. کدگذاری باز

اولین مرحله کدگذاری باز است که هدف این مرحله تحلیل محتوا و پیدا کردن مفاهیم از میان انبوهی از اطلاعات به‌دست‌آمده است. از مجموع بیانات مورد بررسی ۷۵۰ کد باز احصا شد. از آنجا که تعداد سخنرانی‌های مورد بررسی زیاد بوده است، امکان گزارش‌دهی کدگذاری باز در این پژوهش وجود ندارد و کدگذاری‌های انجام‌شده در قالب گزارش مطرح نمی‌شود و تنها نتایج حاصله مورد بحث قرار می‌گیرد. برای اینکه کدگذاری به‌درستی صورت گرفته باشد، نتایج حاصل از کدگذاری پس از پایان آن مورد بازبینی و پالایش قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه بخشی از کدگذاری باز انجام‌شده در جدول ۱، قابل مشاهده است.

جدول ۱: نمونه کدگذاری باز

منبع	گزیده متن	کدهای باز
بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت (علیهم السلام) (۱۳۹۶/۱۲/۱۷)	امروز پرچم استقلال هویتی و فرهنگی زنان در دست زنان ایرانی است؛ امروز بانوان ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی خودشان و استقلال فرهنگی خودشان را دارند اعلام می کنند و به دنیا صادر می کنند؛ یعنی دنیا سخن جدیدی دارد می شنود. زن میتواند در میدان های اجتماعی حضور فعال داشته باشد، تأثیرگذاری اجتماعی عمیق داشته باشد. امروز زنان کشور ما در بخش های مختلف چنین تأثیرگذاری دارند؛ درعین حال حجاب و عفاف و وجه تمایز میان زن و مرد، فاصله میان زن و مرد، در معرض سوءاستفاده مردان قرار نگرفتن، خود را در حد وسیله التذاذ مردان بیگانه و زیاده طلب پایین نیالوردن و تحقیر نکردن، جزو خصوصیات زن ایرانی و زن مسلمان امروز است. ما البته این الگو را داریم، این چهارچوب را داریم، در میان بانوان ما کسانی هستند در حد بسیار خوب، بعضی در حد بالای این الگو دارند زندگی می کنند، بعضی هم در حدود متوسط اند؛ بهر حال، این الگو وجود دارد و مبنای کار زن ایرانی این است.	استقلال فرهنگی زنان ایرانی؛ هویت فرهنگی؛ استقلال هویتی؛ حجاب.
بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی (۱۴۰۰/۱۱/۲۸)	با همین حرکت تداوم انقلاب و استمرار انقلاب، امروز بحمدالله انقلاب، هم زنده است، هم زاینده و تولیدکننده است. اینکه شما می بینید جبهه استکبار این جور در مقابل انقلاب و در مقابل ملت انقلابی ایران می ایستد و این جور دشمنی می کند، به خاطر این است که انقلاب زنده است. اگر انقلاب نبود، این ها دلیلی نداشتند این قدر خبثت به خرج بدهند در مقابل ملت ایران. حالا «زنده بودن انقلاب» یعنی چه؟ یعنی دل بستگی نسل های جدید کشور به آرمان های انقلاب. امروز مردم دل بسته همان آرمان هایی هستند که انقلاب مطرح کرد؛ یعنی استقلال ملی، عزت	جامعه اسلامی؛ تمدن سازی نوین اسلامی؛ عدالت اجتماعی؛ عزت ملی؛ مردم سالاری.

منبع	گزیده متن	کدهای باز
	ملی، رفاه ملی، عدالت اجتماعی، تحقق جامعه اسلامی و درنهایت، همان‌طور که عرض کردیم، ایجاد تمدن نوین اسلامی؛ این‌ها هدف‌های بزرگ انقلاب است. مردم ما امروز به این هدف‌ها دل‌بسته‌اند، علاقه‌مندند؛ کاری از دستشان بر بیاید - هرکسی بتواند کاری انجام بدهد - واقعاً انجام می‌دهند؛ یعنی یک اکثریت عظیمی از کشور این [دل‌بستگی] را دارند. حالا افرادی هم ممکن است گوشه‌کنار وجود داشته باشند که یک مقداری کُند باشند در حرکت یا در حرکت داخل نشوند، لکن ملت ایران عموماً دل‌بسته به این آرمان‌ها است. ملت دل‌بسته است، انقلاب زنده است و دلیل زنده‌بودن انقلاب هم یکی همین دشمنی جبهه استکبار است که به خاطر ایستادگی نظام بر سر این هدف‌ها است.	
بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان (۱۳۹۶/۰۲/۱۷)	این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرف‌ها، این‌ها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار این‌ها بدهد و تسلیم این‌ها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه به اصطلاح بین‌المللی - که قطعاً تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ دنیا است - این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. اگر چنانچه با اصل کار شما نمی‌توانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که بایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش خط‌مشی دارد، خط‌وربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم، ما می‌دانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه کار کنیم؛ احتیاج به این سند وجود ندارد. اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیاوریم شروع کنیم بی‌سروصدا	سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ نفوذ دشمن؛ آموزش و پرورش.

منبع	گزیده متن	کدهای باز
	اجرایی کردن، نخیر، این اصلاً مطلقاً مجاز نیست؛ ما اعلام هم کرده‌ایم به دستگاه‌های مسئول. بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم؛ آن‌ها باید مراقبت می‌کردند، نباید اجازه می‌دادند این کار تا اینجا پیش بیاید که ناچار بشویم ما جلوی آن را بگیریم و ما وارد قضیه بشویم. اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا، مبنا اسلام است، مبنا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب ویرانگر فاسد غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند. البته متأسفانه اعمال نفوذ دارند می‌کنند و از طرق مختلف وارد می‌شوند اما [اینکه] این جور به‌طور رسمی سند به ما بدهند که «تا پانزده سال دیگر باید شما این جوری بکنید، این جوری بکنید»، ما هم بگوییم بله معنی ندارد این کار.	
بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (۱۳۹۰/۰۵/۱۹)	آن مطلبی که من می‌خواهم عرض بکنم، درواقع شروع یک بحث است که حالا این بحث را بعد خود شما جوان‌ها ان‌شاءالله در محافل‌تان باید دنبال کنید. در این شش هفته گذشته، من در چند سخنرانی به ثبات نظام و انقلاب اشاره کردم و گفتم که ثبات و استمرار و استقرار نظام جمهوری اسلامی از جمله مهم‌ترین عواملی بوده است که ملت‌های منطقه و ملت‌های مسلمان را امیدوار کرده و می‌توان گفت نقش مؤثری در ایجاد این حرکت عظیم اسلامی منطقه و آزادی و بیداری ایفا کرده.	بیداری اسلامی؛ ثبات سیاسی.

منبع	گزیده متن	کدهای باز
بیانات در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها (۱۳۸۶/۰۷/۰۹)	[اگر] روحانی‌ای که در دانشگاه مستقر است، منشأ و منبع و مرجع یک فکر عمیق و اصیل و مستدل و تحسین‌برانگیز و قانع‌کننده دینی از نظر دانشجویها نباشد، همه تمهیدات بی‌فایده خواهد بود. باید پی‌درپی در محیط دانشگاه فکر دینی نو و مستدل عرضه کنید و فکر دینی دانشجویان را ارتقا بدهید. مخاطبان خود را هم فقط دانشجویان متدین و مذهبی و حزب‌اللهی ندانید؛ خوب، آن‌ها که البته هستند. مخاطبان شما همه بدنه دانشجویی کشورند؛ حتی کسانی که در دل با دین خیلی میانه‌ای هم ندارند، این‌ها هم مخاطب شمايند.	دانشجو؛ جذب حداکثری؛ دفع حداقلی.
بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۳۸۴/۰۵/۲۸)	جوان‌های عزیز من، نوبت شماس. جوان‌های قبل از شما هر چه نفس داشتند، در این راه زدند و ما را به اینجا رساندند؛ امروز نوبت جوان‌های ماست. در میدان علم، در میدان عمل، در میدان تقوا، در میدان سیاست، در میدان کار برای مردم و خدمت و در میدان شایستگی‌های گوناگون وارد شوید؛ خودتان را به صلاح و تقوا بیارایید و پیش بروید.	تقوای سیاسی؛ خدمت به مردم.
بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم (۱۳۹۷/۰۷/۱۴)	آنچه امروز برای این ملت اهمیت دارد، این است که مسئولان کشور با همه قدرت و توان، شاخص‌های اصلی را برای اصلاح امور کشور در نظر بگیرند؛ همان سه شاخص عمده‌ای که گفته شد: مبارزه با فقر، مبارزه با فساد، مبارزه با تبعیض. این اساس قضیه است. اگر فقر و فساد و تبعیض به‌وسیله مسئولان کشور تحمل نشود؛ رضای الهی، توفیق الهی، هدایت الهی، شامل حال همه خواهد شد؛ گره‌ها باز خواهد شد. این ملت در میدان است؛ این ملت باوقاست؛ این ملت به قرآن دل داده است. اگر بخواهیم این کارها انجام گیرد، راهش این است که جلوی نفوذ دشمن باکمال قدرت بسته شود.	شاخص انقلاب اسلامی؛ مفاسد اقتصادی؛ فرهنگ مردم ایران.

منبع	گزیده متن	کدهای باز
بیانات در دیدار جمعی از روحانیون (۱۳۷۷/۰۲/۰۲)	مباحثی که عقاید دینی آن‌ها را مستحکم و راسخ کند؛ لیکن همین جمله، قابل تفسیر و تبیین است. بعضی از عقاید دچار تزلزل و اضطراب نیست. آن‌کس که می‌خواهد مخاطب خود را هدایت کند، ابتدا باید ببیند آن بخش جهالت او و آن بخش آسیب‌پذیر ذهن او، کجاست. باید آن امواجی را که بر روی ذهن مخاطبین شما تلاش و کار می‌کند تا تخریب نماید، بشناسید تا بدانید جوان، چه چیزی را احتیاج دارد که به او بگویید. طوری نباشد که ده‌ها سؤال در ذهن مخاطب ما وجود داشته باشد و ما به‌جای پاسخ‌گویی به آن سؤال‌ها و استفهام‌ها، یک مطلب دیگر را که اصلاً برای او مورد سؤال نیست، مطرح کنیم.	تخریب اذهان؛ نهاد منبر؛ تهاجم فرهنگی.
بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور (۱۳۷۳/۰۴/۲۲)	من وقتی با دید مقایسه به انقلاب سوسیالیستی شوروی سابق و انقلاب اسلامی خودمان نگاه می‌کنم، می‌بینم آن انقلاب چقدر خشن بوده است؛ اگر کسی تاریخ وقایع آن انقلاب را خوانده باشد، به خشونتش پی می‌برد. متأسفانه، اغلب جوانان ما، اصلاً از انقلاب‌های دیگر خبر ندارند. من گاهی از این بابت، واقعا غصه می‌خورم. اصلاً نمی‌دانند انقلاب وسیالیستی شوروی سابق که بزرگ‌ترین انقلاب زمان معاصر تا قبل از انقلاب اسلامی بود و این‌همه هیاهو در دنیا داشت، در مقایسه با انقلاب ما، از چه ظواهر ناخوشایندی برخوردار بود.	مطالعه تاریخ؛ فرهنگ انقلاب اسلامی.
بیانات در دیدار وزیر و معاونان وزارت آموزش و پرورش و جمعی از معلمان و دانش‌آموزان استان تهران (۱۳۶۸/۰۳/۲۶)	شما معلمان و مربیان و نسل جوان هستید که فردا را می‌سازید و استکبار جهانی را مأیوس می‌کنید و نقطه‌ای امید روشن را- که امام و انقلاب اسلامی آن را به وجود آوردند- در دل مستضعفان عالم زنده نگه می‌دارید. امام عزیزمان همیشه بر این مطلب اساسی تأکید می‌کردند و ما اعتقاد داریم که این موضوع، جزو محکمت و	یأس دشمن؛ تزویر؛ بیداری اسلامی؛ آسیب‌شناسی؛ انقلاب اسلامی؛ اقتدار اقتصادی.

منبع	گزیده متن	کدهای باز
	ضروریات انقلاب و خط امام است. امروز استکبار جهانی و قلدرهای سیاسی عالم و امپراتوری‌های زر و زور در سرتاسر جهان که در فساد و انحطاط غرق‌اند، با اسلام و نظام اسلامی دشمن هستند؛ زیرا افشاگر و تهدیدکننده آن‌ها، اسلام و بیداری مسلمین است. طبیعی است هر کاری که علیه اسلام و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی از عهده آن‌ها برآید، می‌کنند. در یک صورت، نظام جمهوری اسلامی می‌تواند خود را به‌طور کامل از خطر و آسیب دشمن مصون نگهدارد و آن، وقتی است که بااقتدار خویش آن‌ها را مأیوس کند. روزی که جمهوری اسلامی، با اثبات اقتدار سیاسی و اقتصادی خود و با اثبات قدرت ادامه زندگی، دشمن را مأیوس کرد، می‌توان اطمینان داشت که دشمن از توطئه دست خواهد کشید؛ چون احساس می‌کند تلاش او بی‌فایده است.	

۴-۲. کدگذاری محوری

در مرحله بعد، کدها با یکدیگر مقایسه شده و مفاهیم از طریق کدگذاری محوری بیان می‌شوند. در این مرحله، تلاش می‌شود تا با استفاده از نشانه‌ها و ظرایف موجود در بیانات رهبر معظم انقلاب، کدگذاری محوری انجام شود. بر اساس عبارات استخراج‌شده، ۱۹۵ مفهوم به‌دست‌آمده است که در جدول ۲ نمونه‌ای از این مفاهیم آمده است.

جدول ۲: مفاهیم کدگذاری محوری

عنوان مفهوم	عنوان مفهوم	عنوان مفهوم	عنوان مفهوم
آتش به اختیار	چهره‌نگاری	رخنه فرهنگی	جوان انقلابی
حرکت‌های خودجوش فرهنگی	قتل عام فرهنگی	دولت اسلامی	جهاد کبیر
غارت فرهنگی	کار فرهنگی خودجوش	حقوق زن	کار فرهنگی
آسیب‌های فرهنگی	آینده فرهنگی کشور	آسیب‌شناسی فرهنگی	وحدت
ابزارهای فرهنگی	تقلید فرهنگی	تحقیر فرهنگی	تبادل فرهنگی
جنگ فرهنگی	پیوست فرهنگی	فرهنگ بسیجی	استحاله فرهنگی
انحطاط فرهنگی	فرهنگ ایران	تهاجم فرهنگی	عمل دینی
ادبیات جنگ	فرهنگ مقاومت	عمق فرهنگی	ادبیات مقاومت
اقتدار فرهنگی	استقلال فرهنگی	ارتقای فرهنگ	وسایل فرهنگی
روشنفکری	فرهنگ غلط	امور فرهنگی	کار فرهنگی
خاک‌ریز فرهنگی	شان فرهنگ	تولید علم	قوت فرهنگی
فرهنگ زندگی	فرهنگ‌سازی	اخلاق ملی	فرهنگ‌نامه
معضل فرهنگی	تعالی فرهنگی	بیداری اسلامی	اقتدار معنوی

۴-۳. کدگذاری انتخابی

در مرحله نهایی، مقایسه هر مفهوم با دیگری نیز محورهای مشترک دیگری به نام مقوله (کدگذاری انتخابی) را آشکار می‌کند. تحلیل و مقایسه این مقوله‌ها با یکدیگر، سیستم‌های معنا و تفسیر افراد و گروه‌ها درباره واقعیت‌های مورد مطالعه و مشارکت آن‌ها را آشکار می‌کند. پس از انجام مراحل کدگذاری باز و محوری داده‌های تحقیق گروه‌بندی می‌شود. با تحلیل داده‌ها، کدهای باز به مفاهیم انتزاعی تلفیق شد و مفاهیم حاصل از کدگذاری محوری در ۴۳ مقوله دسته‌بندی می‌شود. به دلیل فراوانی تعداد مقوله‌ها به دست آمده، آن‌ها مجدداً مورد تجزیه و تحلیل گرفته می‌شود. پس از بررسی‌های دقیق، مشخص شد مقوله‌هایی که ارتباط بیشتری با یکدیگر دارند تحت عنوان مقوله پایه دسته‌بندی شدند و در ادامه هر مقوله اصلی را ذیل یک مقوله پایه‌ای در نظر گرفته شد؛ بنابر این مقوله‌های اصلی و پایه به عنوان مسائل اساسی حکمرانی فرهنگ پایه نام‌گذاری شدند؛ بنابر این، مقوله‌ها یا مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه عبارت‌اند از: سیاست‌گذاری فرهنگی، مدیریت فرهنگی، مدیریت

راهبردی فرهنگی و مهندسی فرهنگی. در ادامه پژوهش علاوه بر بررسی مرحله کدگذاری انتخابی به واکاوی مقوله‌های پایه‌ای به‌عنوان مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه پرداخته می‌شود:

۴-۳-۱. سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست‌گذاری فرهنگی شامل هشت مقوله اصلی این پژوهش است و طبق الگوی داده بنیاد در دسته مقوله‌های مبنایی قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاری به‌عنوان ارتباط شناختی با قدرت و سیاست تعریف می‌شود که به‌عنوان فرایند تصمیم‌گیری توسط یک منبع اعتبارسازی شده مانند دولت تعریف می‌گردد (شافریتز، بریک، ۱۳۹۰: ۴۱)، این فرایند به طراحی و برنامه‌ریزی روش‌ها و راه‌هایی جهت دستیابی به اهداف مشخص در زمینه‌های خاص می‌پردازد. در تعریف دیگر، سیاست‌گذاری به هر تصمیم‌گیری یا عدم تصمیم‌گیری توسط دولت اشاره دارد (وحید، ۱۳۸۶: ۲۸۸). با این تعاریف، سیاست‌گذاری فرهنگی نمایانگر اراده دولت برای تصویب و اجرای مجموعه‌ای از ابزارها، اهداف و اصول منسجم برای حمایت و ترویج جنبه‌های فرهنگی کشور است (مزیانی، ۱۴۰۰: ۲۲۲). این مفهوم به مجموعه فعالیت‌ها و سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که به‌منظور توسعه و ارتقای فرهنگ و ارزش‌های ملی و مذهبی در جامعه صورت می‌گیرد. سیاست‌گذاری فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حکمرانی فرهنگ پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بررسی شده است. طبق تعریف اشتربان، سیاست‌گذاری فرهنگی تعیین‌کننده اهداف و حوزه فعالیت دولت و نهادهای عمومی است. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که سیاست‌گذاری صحیح می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتقای تفکر، دانش و رشد جامعه عمل نماید. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود بر نقش رهبری در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور نیز تأکید می‌کنند و همچنین، ایشان شورای عالی انقلاب فرهنگی را به‌عنوان قرارگاه مرکزی فرهنگی کشور معرفی کرده و وظایف آن را در فرماندهی مسائل فرهنگی کشور و سیاست‌گذاری تعریف می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴)؛ (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).

جدول ۳: مقوله‌های سیاست‌گذاری فرهنگی

مقوله اصلی	مفاهیم	مقوله پایه
مقابله و حفظ آمادگی در برابر تهاجم فرهنگی و جنگ نرم	جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، حفظ آمادگی، امنیت ملی، استراتژی نظامی، شیخون فرهنگی، آسیب‌ها فرهنگی، استحاله فرهنگی	سیاست‌گذاری فرهنگی

مقوله اصلی	مفاهیم	مقوله پایه
اقتدار معنوی و فرهنگی	اقتدار معنوی، نفوذ فرهنگی هویت فرهنگی، تمدن اسلامی، قدرت فرهنگی	
استقلال فرهنگی	-	
جهاد فرهنگی	-	
ارتقای سطح فکری جامعه در زمینه‌های فرهنگی	فرهنگ عمومی، تعامل فرهنگی، ترویج هنر و ادبیات	
ترویج سبک زندگی اسلامی و ایرانی	فرهنگ ایرانی - اسلامی، هویت فرهنگی، انسجام اجتماعی، تمدن اسلامی، ارزش‌های فرهنگی، فرهنگ زندگی	
تبادلات فرهنگی با سایر کشورها	تعامل فرهنگی، تبادل فرهنگی، ارتباطات بین‌المللی	
فرهنگ‌سازی	ارزش‌های فرهنگی، هویت فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی، فعالان فرهنگی، کار فرهنگی	

۴-۳-۲. مدیریت راهبردی فرهنگی

مدیریت راهبردی فرهنگی شامل ده مقوله اصلی این پژوهش است و طبق روش داده‌بنیاد، این مقوله‌ها جزو مقوله‌های راهبردی محسوب می‌شوند. مدیریت راهبردی فرهنگی به‌عنوان یک فرایند مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی، به ایجاد، اتخاذ و اجرای راهبردهای فرهنگی، سازماندهی و تقسیم‌کار ملی، نظارت و ارزیابی راهبردی سیستم‌های مختلف کشور بر اساس نیازهای سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازد. در این راستا، کارکردهای اصلی مدیریت راهبردی فرهنگی کشور شامل مراحل تعیین اهداف اصلی و ترسیم چشم‌انداز در افق زمانی مشخص، تعیین سیاست‌های کلی بر اساس آرمان‌ها، ارائه راهبردها با در نظر گرفتن ضعف‌ها و قوت‌های محیط داخلی و تهدیدات و فرصت‌های محیط خارجی است. در ادامه، ارزیابی استراتژیک و تعیین میزان تحقق اهداف توسط نظام‌های اصلی نیز در این فرایند جای می‌گیرد. در کنار این‌ها، مدیریت راهبردی فرهنگی به‌دقت به تحلیل محیط داخلی و خارجی توجه می‌کند تا اقدامات و تصمیمات بهینه‌تری اتخاذ شود. این فرایند به‌منظور ایجاد هماهنگی و انطباق مابین هدف‌ها و عملکردهای مختلف سیاست‌ها و راهبردها، به‌صورت مداوم اصلاحات و بهبودها را در نظر می‌گیرد. در نهایت، این مدیریت به‌وسیله نظارت و ارزیابی مستمر، پیشرفت و موفقیت در دستیابی به اهداف را بهبود

می‌بخشد و مسیری منسجم برای توسعه فرهنگ کشور را پیش می‌برد (مزینانی، ۱۴۰۰: ۲۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بر مدیریت راهبردی فرهنگ تأکید داشته‌اند. ایشان شورای انقلاب فرهنگی را بی‌بدیل در کشور معرفی کرده و معتقدند: در مسئله مدیریت راهبردی فرهنگی، به غیر از شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیچ مرکز یا نهاد دیگری در کشور وجود ندارد. ایشان بر وظایف مختلف اعم از دولت، مجلس و مجمع تشخیص مصلحت تأکید می‌کنند؛ اما هیچ‌کدام وظایفی که بر عهده این شورا است و در قالب شرح وظایف تدوین شده است، بر عهده ندارند؛ بنابر این شورای عالی انقلاب فرهنگی مرکزی بی‌بدیل است و بنای فرهنگی کشور یا عالی‌ترین مرکز فرهنگی و علمی نهادهای کشور به شمار می‌رود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۱۱). بنابر این وظیفه مدیریت راهبردی بر عهده شورای انقلاب فرهنگی بوده است و این شورا نقش اساسی نسبت به سایر دستگاه‌ها در زمینه مدیریت راهبردی فرهنگی کشور را داشته است.

جدول ۴: مقوله‌های مدیریت راهبردی فرهنگی

مقوله اصلی	مفاهیم	مقوله پایه
جهت‌گیری انقلابی و اسلامی	فرهنگ ایرانی - اسلامی، تعامل فرهنگی، اصلاحات فرهنگی، هویت فرهنگی، فرهنگ انقلابی	مدیریت راهبردی فرهنگی
اعلام علنی راهبردهای فرهنگی	راهبردهای فرهنگی، برنامه‌های فرهنگی، فرهنگ عمومی	
تکیه بر فرهنگ اسلامی و انقلابی	ارزش‌های فرهنگی، هویت فرهنگی، ارتقای فرهنگی	
هویت فرهنگی ایرانی و اسلامی	ارزش‌های فرهنگی، هویت ملی، فرهنگ ایرانی و اسلامی، ارتباطات فرهنگی	
حفظ و تقویت ارزش‌های دینی و ملی	ارزش‌های فرهنگی، هویت فرهنگی، تعالی فرهنگی، ارتقای فرهنگی، وحدت و هبستگی، انسجام ملی	
فرهنگ با جوهره دین و انقلاب	هویت فرهنگی، فرهنگ ملی، فرهنگ انقلابی، فرهنگ دینی، تعامل فرهنگی، ارزش‌های فرهنگی	
پرچم استقلال هویتی و فرهنگی در دست زنان ایرانی	انعطاف‌پذیری فرهنگی، استقلال فرهنگی، هویت فرهنگی، استقلال هویتی و فرهنگی زنان، فرهنگ ملی، نقش زنان	
اهمیت و نقش علم در فرهنگ	علم دینی، فرهنگ اسلامی، تولید علم	

مقوله اصلی	مفاهیم	مقوله پایه
تقویت جناح فرهنگی مؤمن، انقلابی، مردمی و خودجوش	جهاد فرهنگی، اخلاق اسلامی، فعالان فرهنگی	
اهمیت دولت دینی	عدالت اجتماعی، هویت فرهنگی، تمدن اسلامی	

۴-۳-۳. مدیریت فرهنگی

مدیریت فرهنگی که شانزده مقوله اصلی زیرمجموعه آن تعریف می‌شود. بر اساس الگو نظریه‌های داده‌بنیاد جزو مقوله‌های مداخله‌گر و پیامدی محسوب شده است. مدیریت فرهنگی بر اساس ارزش‌ها، باورها و فرهنگ جامعه و سازمان تعریف می‌شود. در واقع، مدیریت فرهنگی به مفهوم مدیریت با تمرکز بر فرهنگ و ارزش‌ها است و در این رویکرد، اهداف و سیاست‌ها بر اساس ارزش‌ها و باورهای فرهنگی تعیین می‌شود. در جامعه و سازمانی که از مدیریت با رویکرد فرهنگی مادی و غیرالهی استفاده می‌کند، تمرکز اصلی بر روی اهداف مادی و اقتصادی است و تأکید بر نیازهای بعد طبیعی و حیوانی قرار دارد؛ اما در جوامع و سازمان‌هایی که از مدیریت با رویکرد فرهنگی الهی و انسانی استفاده می‌کنند، اهداف اصلی بر اساس ارزش‌های الهی و انسانی تعیین می‌شوند و تأکید بر تأمین نیازهای بعد انسانی قرار دارد (سلمانی، حجتی، رضایی: ۱۲). این نوع از مدیریت به دنبال تأمین آرامش و آسایش انسان است و نه تنها صرفاً بر رفع نیازهای طبیعی و مادی.

مدیریت فرهنگی به دو سطح تاکتیکی و راهبردی تقسیم می‌شود. در سطح تاکتیکی، مدیریت فرهنگی بیشتر به مدیریت امور یا فعالیت‌های فرهنگی مربوط می‌شود. امور فرهنگی شامل همه فعالیت‌هایی است که موجب قرار گرفتن گروهی از مخاطبان در تعامل با یکدیگر می‌شود و این امر می‌تواند باعث شکل‌گیری باورهای فرهنگی خاص در مخاطبان شود. پس از تبیین مفهوم مدیریت فرهنگی لازم است به شرح عرصه‌های عام و مهم فرهنگ بر اساس نظر آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شود:

- ❖ نخستین عرصه؛ در حوزه تصمیم‌گیری‌های کلان ملی، فرهنگ نقش هدایت‌کننده تصمیمات کلان ملی در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و تولیدی را ایفا می‌کند. هر فعالیتی که در کشور انجام می‌شود، به‌وسیله فرهنگ ترویج یا تولید می‌شود. از جمله فعالیت‌هایی که نقش

مهمی در ایجاد مبنای فرهنگی دارند می‌توان به تولید، خدمات، ساختمان‌سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیمات امنیتی اشاره کرد؛

❖ دومین عرصه؛ فرهنگ به‌عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه، فرهنگ نقش مهمی در شکل‌دهی به ذهن و رفتار عمومی جامعه دارد. این شکل‌دهی بر اساس فرهنگ‌های مختلف ازدواج، رانندگی، خانواده، اداره، لباس و الگوی مصرف است؛

❖ سومین عرصه؛ عرصه سیاست‌های کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت که علاوه بر این، سیاست‌های کلان آموزشی و علمی باید توسط نهادهای دیگری تدوین شود که دیدگاهی کلان‌تر دارند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۹/۲۶).

ایشان بارها تأکید کرده‌اند که فرهنگ یک مسئله حیاتی و اساسی برای یک جامعه است. رهبر انقلاب معتقدند که اگر فرهنگ یک جامعه به معنای درست کلمه، فرهنگ صحیح باشد، به سمت رشد اقتصادی و رفاه حرکت خواهد کرد و فرهنگ، زمینه‌ای ایجاد خواهد کرد که جامعه ثروت، علم، قدرت، آزادی و ... پیدا نماید و به اهداف خود برسد. ایشان همچنین معتقدند که مدیریت فرهنگی در جامعه امری لازم و ممکن است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود، اهمیت مدیریت فرهنگی را مورد تأکید قرار داده و معتقد است که هرج‌ومرج فرهنگی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ است. ایشان نقش علما، نخبگان، روشنفکران و حکام را در تأثیرگذاری بر فرهنگ و تغییر مسیر آن به سمت مثبت یا منفی، بسیار اهمیت می‌دهند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵).

جدول ۵: مقوله‌های مدیریت فرهنگی

مقوله پایه	مفاهیم	مقوله اصلی
مدیریت فرهنگی	فرهنگ ملی، تهاجم فرهنگی، هویت فرهنگی، کار فرهنگی	ترویج فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه
	نهادهای فرهنگی، ارتقا فرهنگی، فعالان فرهنگی	احساس مسئولیت مسئولین مربوطه نسبت به فرهنگ
	فرهنگ ایرانی، نقش جوانان، نهادهای فرهنگی	شناسایی و به‌کارگیری استعدادها و ظرفیت‌ها جوان کشور

حل مشکلات فرهنگی در شوراهای فرهنگی	آسیب‌های اجتماعی، تهاجم فرهنگی، فعالان فرهنگی
باهم دیدن نیازهای مادی و معنوی مردم	هویت فرهنگی، فرهنگ ایرانی-اسلامی
شناختن ضعف‌های فرهنگی موجود	تهاجم فرهنگی، فرهنگ عمومی
کمک به حرکت‌های خودجوش مردمی	جهاد فرهنگی، فرهنگ انقلابی
انجام کارهای فرهنگی و پرهیز از کار سیاسی	کار فرهنگی، هویت فرهنگی، ارتقا فرهنگ جامعه
شناسایی ضعف عملکرد دستگاه‌های فرهنگی	دستگاه‌های فرهنگی، فعالان فرهنگی
مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی	-
تقویت و کارآمدی دستگاه‌های فرهنگی	-
رصد فعالیت‌های فرهنگی توسط مراجع فرهنگی	کار فرهنگی، دستگاه‌های فرهنگی
جلوگیری از نفوذ فرهنگی	تهاجم فرهنگی
تربیت نیروی فرهنگی	کار فرهنگی، فرهنگ انقلابی
جلوگیری از تولیدات مضر و آسیب‌زا	تهاجم فرهنگی
تولیدات فرهنگی صحیح و مؤثر	کار فرهنگی، فعالان فرهنگی

۴-۳-۴. مهندسی فرهنگی

این مفهوم نه مقوله اصلی پژوهش را شامل شده است و بر طبق الگوی روش داده‌بنیاد آن را می‌توان جزو عوامل زمینه‌ای دانست. مهندسی فرهنگی که گفتمانی ایرانی شمرده می‌شود، بر اساس تعریف سند نقشه مهندسی فرهنگی، برآمده از مهندسی فرهنگ است. در این پژوهش مهندسی فرهنگی به‌عنوان فرایندی فراگیر در شناخت، آسیب‌شناسی، پالایش، اصلاح و جهت‌دهی بخشی از فرهنگ بر اساس هویت اصیل ایرانی اسلامی با توجه به مقتضیات و شرایط ملی و جهانی ارائه شده

است. این مهندسی فرهنگی همچنین به‌عنوان فرایند بازطراحی، اصلاح و بهبود امور و روابط نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور بر اساس فرهنگ طراحی شده متناسب با شرایط، ویژگی‌ها و مقتضیات ملی و جهانی توصیف می‌شود (مزینانی، ۱۴۰۰: ۲۲۱). مهندسی فرهنگی به‌عنوان یک مسئله بسیار مهم مطرح می‌شود، زیرا فرهنگ جامعه، فضای تنفسی آن است و تصمیمات اقتصادی و سیاسی در آن شکل می‌گیرد. این فضا تأثیرگذار بر رفتارها و تصمیمات فردی و جمعی است و باید مورد توجه قرار گیرد. مهندسی فرهنگی به‌عنوان طراحی و تغییر سیستم فرهنگی کشور، باهدف تغییر رفتارهای جاری و بهبود شرایط فرهنگی، مطرح می‌شود. این مفهوم نیازمند بصیرت و فکر کلان برای درک جریان‌های فرهنگی داخلی و خارجی کشور است (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۱۰۵). آیت‌الله خامنه‌ای نیز اهمیت مهندسی فرهنگ را تأکید کرده و آن را یکی از مهم‌ترین تکالیف کشور دانسته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۲۷). به‌این ترتیب بر اساس مطالب بیان شده، به تدوین، تهیه نقشه و طرح جامع برای ساماندهی نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را کشور مهندسی فرهنگی می‌گویند.

جدول ۶: مقوله‌های مهندسی فرهنگی

مقوله اصلی	مفاهیم	مقوله پایه
ترویج فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه	فرهنگ ملی، تهاجم فرهنگی، هویت فرهنگی، کار فرهنگی	مدیریت فرهنگی
احساس مسئولیت مسئولین مربوطه نسبت به فرهنگ	نهادهای فرهنگی، ارتقای فرهنگی، فعالان فرهنگی	
شناسایی و به‌کارگیری استعدادها و ظرفیت‌ها جوان کشور	فرهنگ ایرانی، نقش جوانان، نهادهای فرهنگی	
حل مشکلات فرهنگی در شوراهای فرهنگی	آسیب‌های اجتماعی، تهاجم فرهنگی، فعالان فرهنگی	
باهم دیدن نیازهای مادی و معنوی مردم	هویت فرهنگی، فرهنگ ایرانی - اسلامی	
شناختن ضعف‌های فرهنگی موجود	تهاجم فرهنگی، فرهنگ عمومی	
کمک به حرکت‌های خودجوش مردمی	جهاد فرهنگی، فرهنگ انقلابی	
انجام کارهای فرهنگی و پرهیز از کار سیاسی	کار فرهنگی، هویت فرهنگی، ارتقای فرهنگ جامعه	

مقوله اصلی	مفاهیم	مقوله پایه
شناسایی ضعف عملکرد دستگاه‌های فرهنگی	دستگاه‌های فرهنگی، فعالان فرهنگی	
مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی	-	
تقویت و کارآمدی دستگاه‌های فرهنگی	-	
رصد فعالیت‌های فرهنگی توسط مراجع فرهنگی	کار فرهنگی، دستگاه‌های فرهنگی	
جلوگیری از نفوذ فرهنگی	تهاجم فرهنگی	
تربیت نیروی فرهنگی	کار فرهنگی، فرهنگ انقلابی	
جلوگیری از تولیدات مضر و آسیب‌زا	تهاجم فرهنگی	
تولیدات فرهنگی صحیح و مؤثر	کار فرهنگی، فعالان فرهنگی	

۴-۴. حکمرانی فرهنگ پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

حکمرانی فرهنگ پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیز به معنای تأکید بر ارزش‌های، اخلاق و اصول اسلامی در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی است. ایشان معتقدند که فرهنگ و ارزش‌ها باید در تمامی ابعاد زندگی انسانی حاکم باشند و به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌ها و رفتارها مورد استفاده قرار گیرند. این اندیشه بر مبنای اسلامی استوار است و به‌منظور ایجاد یک جامعه عادلانه و پویا مطرح شده است. ایشان بر اهمیت حکمرانی فرهنگ پایه تأکید فراوانی دارند و معتقدند که حکمرانی فرهنگ پایه، شرط لازم برای تحقق اهداف هر نظام سیاسی است و بدون حکمرانی فرهنگ پایه، هیچ نظام سیاسی نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد.

آیت‌الله خامنه‌ای فرهنگ را به‌عنوان مسئله حیاتی و اساسی می‌داند و آن را به‌عنوان راه‌حل مشکلات و اصلاحات مطرح می‌کند. او باور دارد که فرهنگ نقش اساسی در هویت و تحولات اجتماعی دارد و اگر یک جامعه دارای فرهنگی غنی باشد، این جامعه دست‌کم اقتدار بالقوه دارد. از دیدگاه ایشان، ویرانی نهایی جامعه ویرانی فرهنگی است نه ویرانی‌های ظاهری. به‌طور خلاصه، او فرهنگ را به‌عنوان روح جامعه می‌بیند که بر سایر عناصر تأثیر می‌گذارد؛ بنابر این، بر اساس نظرات آیت‌الله خامنه‌ای، فرهنگ جایگاه بسیار مهمی در تمدن دارد. ایشان معتقدند که بخش نرم‌افزاری یا فرهنگی تمدن، بخش اصلی و اساسی آن است و اگر یک تمدن از

بخش‌های نظام فرهنگی غفلت نماید، در واقع در معنای حقیقی و اسلامی پیشرفت نخواهد کرد. این نگرش نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای فرهنگ را به‌عنوان روح و هویت واقعی جامعه می‌بیند و تأکید دارد که سیاست و اقتصاد باید با فرهنگ مرتبط باشند تا بتوانند به مصلحت‌های فرهنگی جامعه توجه کنند (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۶۳-۶۸). از نظر ایشان نظام فرهنگی انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین نظام‌های اجتماعی است و در منظومه فکری ایشان، جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان این دوران را یک پیچ عظیم و خطرناک تاریخی توصیف کرده‌اند و به این موضوع اشاره کرده‌اند که امت اسلامی سال‌هاست که با مشکلات و فساد حاکمان و زمامداران دچار رکود شده است و نیاز به اصلاح فرهنگی دارد. ایشان به ارتقای فرهنگ جامعه و داشتن دغدغه در مورد اوضاع فرهنگی کشور اهتمام داشته‌اند و تأکید دارند که مسائل فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در حال و آینده جامعه دارند. این نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای اهمیت بسیار زیادی به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در جامعه می‌دهند و تأکید دارند که اصلاحات فرهنگی باید از جمله اولویت‌های اصلی جامعه باشد (خسروپناه، ۱۳۹۸: ۵۲۷-۵۲۸).

بر این اساس حکمرانی فرهنگ پایه، یک الگوی نوین و تحول‌آفرین در عرصه سیاست فرهنگی است که می‌تواند در ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی نقش مهمی ایفا کند. این الگو، با تأکید بر نقش فرهنگ به‌عنوان اساس و زیربنای سایر حوزه‌های اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز تحولات بنیادین در جامعه شود. در این پژوهش سطح کارگزاران رسمی مورد توجه است زیرا که در این سطح غالباً فرهنگ از دو طریق یعنی نهادها و افراد بر تصمیمات سیاسی و از طریق مختلف دیگری نیز بر نظام‌ها، نهادها و رفتار سیاسی اثرگذار است. نهادهای فرهنگی از عوامل مؤثر بر شیوه تصمیم‌گیری در هر جامعه محسوب شده و شخصیت افراد تصمیم‌گیرنده نیز پدیده‌ای است که محصول زندگی اجتماعی آن‌ها بوده و از جمله عوامل فرهنگی به حساب می‌آید (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۳۱). بخش‌های مختلف دولت، مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نسبت به فرهنگ وظایفی دارند؛ اما آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند هیچ‌کدام وظایف مهمی که شورای عالی انقلاب فرهنگی بر عهده دارد را ندارند. ایشان مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی را در عرصه مدیریت راهبردی فرهنگی کشور بی‌بدیل دانسته و از نظر ایشان این مرکز بی‌بدیل در واقع اتاق فرمان فرهنگی کشور و ستاد عالی فرهنگی و علمی دستگاه‌های کشور بوده و به‌عنوان مرکز مهمی در کشور محسوب می‌شوند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۶/۲۹).

بر اساس یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در جمهوری اسلامی به مجموعه اصول، ارزش‌ها و عواملی اشاره دارد که نقش مهمی در شکل‌دهی و تعیین فرهنگ و هویت ملی ایرانی-اسلامی دارند که شامل زبان، ادبیات، هنر، معماری، موسیقی، سینما، مراسم و رسومات، اعتقادات و مذهبی، آیین‌ها و مراسمات مذهبی-ملی و فرهنگی، اخلاق و ارزش‌های اجتماعی و ... می‌باشند. مسئله دیگری که در حکمرانی فرهنگ‌پایه باید به آن پرداخته شود؛ دلایل نیاز کشور به حکمرانی فرهنگ‌پایه از منظر آیت‌الله خامنه‌ای است که شامل:

۱. فرهنگ اساس و روح حاکم بر جامعه است؛
۲. از ابتدا ماهیت انقلاب اسلامی بر پایه فرهنگ استوار بوده؛
۳. موجودیت و امتداد انقلاب اسلامی و به تبع آن، نظام جمهوری اسلامی در گرو حیات فرهنگ است؛
۴. سیاست و اقتصادی بدون اتکا به فرهنگ و بدون وجود بستر مساعد فرهنگی عینیت پیدا نمی‌کند و فرهنگ در کنار یا ذیل سیاست و اقتصاد قرار نمی‌گیرد؛
۵. پیشرفت کشور در راستای وقوع تمدن اسلامی تنها با فرهنگ صحیح و پیشرو امکان‌پذیر است؛
۶. جمهوری اسلامی در معرض یک تهاجم فرهنگی بوده که هدف آن توقف حرکت انقلاب و براندازی نظام جمهوری اسلامی است؛
۷. کشور در عرصه فرهنگ با ضعف‌ها و آسیب‌هایی روبه‌رو است؛
۸. امکانات و نیروهای فرهنگی در کشور هماهنگ و هم‌افزا نیستند و حتی در مواردی همدیگر را خنثی می‌کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش علاوه بر مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه می‌توان به ارکان آن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای نیز اشاره کرد (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۲۱۷-۲۱۹).

❖ رکن اول: نقش مردم

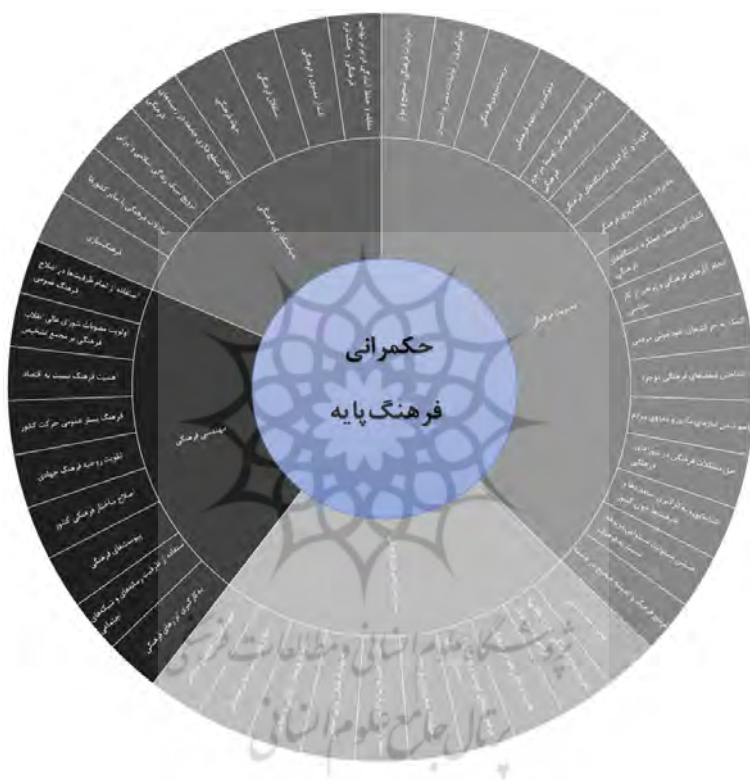
مردم نقش اصلی را در حکمرانی فرهنگ‌پایه ایفا می‌کنند. مردم فرهنگ مطابق با ارزش‌های اسلامی و انقلابی را پذیرفته و آن را در زندگی خود جاری می‌سازند.

❖ رکن دوم: نقش حکومت

حکومت نیز نقش مهمی در حکمرانی فرهنگ‌پایه دارد. حکومت باید زمینه‌های لازم برای رشد و تعالی فرهنگ جامعه را فراهم کند.

❖ رکن سوم: نقش نهادهای فرهنگی

نهادهای فرهنگی نیز نقش مهمی در حکمرانی فرهنگ‌پایه دارند. این نهادها با تولید و نشر محتوای فرهنگی مناسب، به ترویج فرهنگ کمک می‌کنند. با توجه به این سه رکن، می‌توان برنامه‌های فرهنگی و سیاست‌های حکومت را براساس تأثیرگذاری این سطوح بر فرهنگ کشور طراحی کرد و از این طریق به توسعه و تقویت فرهنگ مطلوب معیار اسلامی کمک کرد (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۲۱۷-۲۱۹).



شکل ۲: نمودار مفهومی مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با استناد به تحقیقات انجام‌شده، بیانات، پیام‌ها، نامه‌ها و احکام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در زمینه حکمرانی فرهنگ‌پایه نتایج به‌دست‌آمده در چهار بُعد

مدیریت فرهنگی، مهندسی فرهنگی، مدیریت راهبردی فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور مشخص کردن موارد مطرح در الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین، بر اساس بیانات و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان فرهنگ را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ساختارهای اجتماعی می‌دانند و معتقدند که بسیاری از مشکلات اجتماعی به مشکلات فرهنگی باز می‌گردد و معتقدند که تمام راه‌ها در نهایت به فرهنگ می‌رسد و اصلاحات فرهنگی می‌تواند به حل مشکلات متنوع اجتماعی کمک کند. ایشان همچنین به‌وضوح اظهار داشته‌اند که غلبه فرهنگی می‌تواند غلبه اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی را با خود به دنبال بیاورد و اگر فرهنگ ملی یک جامعه پایمال تهاجم فرهنگی شود، آن جامعه از دست خواهد رفت. این نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای به فرهنگ به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده سایر ابعاد اجتماعی و سیاسی توجه ویژه‌ای دارند.

در جمع‌بندی نتایج این پژوهش، چهارچوب حکمرانی فرهنگ‌پایه از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به شرح زیر است:

۱. حکمرانی فرهنگ‌پایه، یکی از مهم‌ترین وظایف دولت است؛
 ۲. حکمرانی فرهنگ‌پایه، اصول و ارزش‌هایی است که برای حفظ و تقویت هویت و فرهنگ ملی باید به آن پایبندی شود؛
 ۳. دولت باید با توجه به حکمرانی فرهنگ‌پایه، سیاست‌هایی را اجرا کند که باعث تقویت و حفظ فرهنگ ملی شود؛
 ۴. برای موفقیت در حکمرانی فرهنگ‌پایه، باید به نیازهای مردم توجه کرد و توانایی ارائه خدمات فرهنگی با کیفیت تمرکز کرد؛
 ۵. از دیگر وظایف دولت در حکمرانی فرهنگ‌پایه، پشتیبانی از هنر، ادبیات و فرهنگ است که باعث توسعه فرهنگی کشور می‌شود.
- بنابر این، حکمرانی فرهنگ‌پایه از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از وظایف مهم دولت است که با توجه به فرهنگ ملی و نیازهای مردم باید اجرا شود.
- با در نظر گرفتن مقوله‌های اصلی که مشابهت دارند، مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه به روش داده‌بنیاد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای شامل موارد زیر است:
- ❖ اعتقاد به اهمیت و تأثیر فرهنگ در حکمرانی و اجتماع؛
 - ❖ توجه به ارزش‌ها، باورها و سنت‌های فرهنگی ملت؛
 - ❖ تأکید بر حفظ و تقویت هویت فرهنگی ملت؛

- ❖ ارزش‌گذاری برای ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه؛
- ❖ تأکید بر اهمیت آموزش و تربیت بر اساس ارزش‌های فرهنگی؛
- ❖ ترویج هماهنگی بین فرهنگ و توسعه اقتصادی و اجتماعی؛
- ❖ توجه به نقش فرهنگ در ارتقای توسعه پایدار و پیشرفت جامعه؛
- ❖ تأکید بر ارتقای آگاهی و شناخت از فرهنگ ملت به منظور تقویت هویت ملی و اجتماعی.

در حکمرانی فرهنگ پایه عمل و نظر دو روی یک سکه محسوب می‌شوند. به این معنا که در یک روی آن عمل بدون اتکا به فکر و نظر حیات واقعی ندارد و در روی دیگر، نظر منهای عمل ارزشی نخواهد داشت و ساحت نظر و عمل درهم‌تنیده و وحدت یافته هستند. برجسته‌ترین ابعادی که در طول پژوهش با آن برخورد داشتیم، شامل:

۱. جمهوری اسلامی نیازمند حکمرانی فرهنگی قوی است؛
 ۲. مبانی حکمرانی فرهنگی در اسلام با مبانی حکمرانی فرهنگی در غرب متفاوت بوده است و نیازمند شناخت دقیق است؛
 ۳. نقشه راه حکمرانی باید مبتنی بر دانش حکمرانی تهیه شود ضمن آنکه دانش حکمرانی فرهنگی را باید یک عرصه بین‌رشته‌ای در نظر گرفت.
- در پایان، می‌توان گفت که حکمرانی فرهنگ پایه، به‌عنوان یکی از اصول اساسی حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از راهکارهای اصلی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و تحقق عدالت اجتماعی و اخلاقی مطرح شده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، حکمرانی فرهنگ پایه به‌عنوان یک الگوی مطلوب برای حکمرانی مطرح شده است. این الگو بر اساس اصول و مبانی فرهنگ انقلاب اسلامی شکل گرفته است و هدف آن، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است. برخی از ویژگی‌های حکمرانی فرهنگ پایه در نظام جمهوری اسلامی ایران شامل:

- ❖ اصالت‌بخشی به فرهنگ انقلاب اسلامی؛
 - ❖ تأکید بر نقش مردم در فرهنگ‌سازی؛
 - ❖ توجه به همه ابعاد فرهنگ.
- همچنین می‌توان پیشنهادات سیاستی زیر را در راستای حکمرانی فرهنگ پایه مطرح کرد:
- ❖ ایجاد نگاه فرهنگ پایه در حوزه‌های حکمرانی و فرهنگ؛

- ❖ رصد تجربیات موجود در حکمرانی فرهنگ‌پایه و تجربه نگاری آن‌ها و تبدیل به نظریه؛
- ❖ بنا نهادن حوزه‌های حکمرانی بر اساس فرهنگ؛
- ❖ تربیت متخصصان این حوزه‌های حکمرانی و فرهنگ؛
- ❖ کاربست تولیدات نظری به واسطه نیروهای تربیت‌یافته در حوزه حکمرانی فرهنگ‌پایه؛
- ❖ شناسایی موانع تحقق حکمرانی فرهنگ‌پایه و راه عبور از آن؛
- ❖ ایجاد و تقویت نهادهای مستقل و تخصصی فرهنگی؛
- ❖ آموزش و فرهنگ‌سازی در مدارس و دانشگاه‌ها با محوریت معرفی فرهنگ اسلامی و ایرانی؛
- ❖ ترویج فرهنگ جهادی به‌عنوان یک الگو برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، به‌ویژه در میان نسل جوان؛
- ❖ حمایت از تولیدات فرهنگی بومی و ارائه تسهیلات و حمایت‌های مالی از هنرمندان و تولیدکنندگان محتوا.



References

- Abolfathi, M., & Piramohammadi, S. (2014). The impact of soft power components of the Islamic Revolution of Iran on the expansion of the Islamic Awakening in the Middle East. *Defense Policy Quarterly*, 22(1), 2966.
- Akbari, G. (2007). Social capital and urban governance. *Geographical Research Quarterly*, 83, 135154.
- Akhtarshahr, R. (2006). *What is Politics?* Tehran: Kanoune Andishehe Javan.
- Ali Shiri, M.M. (2009). *Designing a Cultural System for the Islamic Republic Based on Ayatollah Khamenei's Statements* [Master's thesis]. Imam Sadiq University, Tehran.
- Aristotle. (1985). *Politics* (H. Enayat, Trans.). Tehran: Habibi Publications. (Original work published 1364 SH)
- Ashouri, D. (2014). *Definitions and Concepts of Culture*. Tehran: Agah Publications.
- Ashtarian, K. (2007). *Public Policy in Iran*. Tehran: Mizan Publications.
- Bamdad, A. (2016). *The Role of Cultural Diplomacy in the Islamic Republic of Iran with Emphasis on the Supreme Leader's Thought* [Master's thesis]. University of Guilan, Rasht.
- Baniyanian, H., Gholami, R., & Sahraei, E. (2020). Designing a strategic leadership model for Iran's cultural system using grounded theory. *Cultural Management Journal*, 5(2), 124.
- Bourg, J. 2003. *The future of cultural policy*. London: Sage.
- Bungay, S.& Goold, M. (1991), A New Framework for Determininig Critical Succses/Failure Factors in Project, *International of project management*, 14 (3), pp. 141-151.
- Dahl, Robert A. 1971. *Polyarchy: Participation and Opposition*. New Haven: Yale University.
- Dunleay, p. 1991. *Bureavcracy and Public choice: Economic5 Explanations in Political Science*. Hemel Hompsstead: Harvester Wheatsheaf.
- Easton, David. 1965. *A Systems Analysis of Political Life*. New York: Wiley.
- Eftekharzadeh, A., & Babakhani, M. (2016). Politics and culture: Indicators of cultural policymaking from Imam Khomeini's perspective. *Iranian Cultural Research Journal*, 9(3), 5790.
- Entezari, M. (2014). *The Relationship Between Politics and Culture in Imam Khomeini's Thought* [Master's thesis]. Imam Sadiq University, Tehran.
- Gardner, H. 2011. *The Harvard guide to multicultural education*. Cambridge: Harvard University.
- Ghaffari, M. (2017). *From the Midst of Khordad*. Tehran: Software Jihad Publications.
- Ghaydarloo, K., & Janqorban, M. (2022). Cultural ecosystem: A framework for culture and governance in the Islamic Republic. *Religion and Cultural Politics Journal*, 9(1), 747.
- Hatch, M.J. (2010). *Organization Theory* (H. Danaeefard, Trans.). Tehran: Mehraban Publications. (Original work published 1389 SH; typo corrected from 8139 SH)

- Heywood, A. (2013). *Politics* (A. Alam, Trans.). Tehran: Ney Publishing.
- Heywood, Andrew. 2008. "On Global Order." In *The Oxford Handbook of International Relations*. Oxford: Oxford University.
- Jafari, M.T. (1994). *Wisdom of Islamic Political Principles: Commentary on Imam Ali's Letter to Malik Ashtar*. Tehran: Nahj alBalagha Foundation.
- Jafarzadeh, M.H. (2013). *Cultural Charter from the Supreme Leader's Perspective*. Qom: Velayate Montazar Institute.
- Jahambin, F. (2018). Cultivating culture: Cultural management in Ayatollah Khamenei's thought. *Strategic Cultural Studies*, 3(1), 4568.
- Jamshidi, M. (2021). *Ayatollah Khamenei's Cultural Thought*. Tehran: Islamic Research Institute of Culture and Thought.
- Jamshidi, M. (2021). *Determination of the Path*. Tehran: Sade Publications.
- Kazemi, A.A. (2001). *Globalization of Culture and Politics*. Tehran: Qomes Publications.
- Khamenei, A. (n.d.). *Statements*. The Office of the Supreme Leader. Retrieved from <https://leader.ir>
- Khosropanah, A. (2019). The Intellectual Framework of Ayatollah Khamenei. Tehran: Islamic Research Institute of Culture and Thought.
- Maleki, A. (2018). The interaction of politics and culture in Imam Khomeini's political thought. *Review of the Scientific and Cultural Works of the Islamic Revolution*, 4(2), 89112.
- Mazinani, M. (2021). Cultural governance in the Islamic system. *Transcendent Governance Journal*, 2(5), 211236.
- Mohajernia, M. (2018). *The Political Philosophy of Ayatollah Khamenei*. Tehran: Islamic Research Institute of Culture and Thought.
- Naghibzadeh, A. (2001). *An Introduction to Political Sociology*. Tehran: SAMT Publications.
- Naghibzadeh, A. (2002). *The Influence of National Culture on Iran's Foreign Policy*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Nye, J. (2008). *Soft Power: The Means to Success in World Politics* (S.M. Rouhani & M. Zolfaghari, Trans.). Tehran: Imam Sadiq University Press.
- Nye, Joseph. 1990. *Soft Power*, New York: public affairs. - Nye., New York: Carnegie Council of Ethics and International Affair.
- Peter J, May. 2011. *Governance: The Art of Governing*. Lanham: Rowman & Littlefield.
- Rathbille, J. 2006. *Cultural policy and diversity*. London: Routledge.
- Salehi Amiri, S.R. (2008). *Foundations of Cultural Policymaking and Planning*. Tehran: Expediency Discernment Council Research Center.
- Salmany, A., Hojjati, E., & Rezaei, M.R. (2018). Strategic evaluation indicators for Iran's cultural management. *Journal of Strategic Defense Studies*, 2(8), 728.
- Samadian, Z., & Shafiei Fani, A. (2014). Conceptual analysis of cultural engineering with emphasis on Ayatollah Khamenei's views. *Cultural Engineering Quarterly*, 8(3), 3250.
- Samiei, M.A. (2023). *The Relationship Between Politics and Culture in Ayatollah Khamenei's Thought and Practice* [Master's thesis]. Imam Sadiq University, Tehran.
- Schein, E. (2010). *Organizational Culture* (M.E. Mahjoob, Trans.). Tehran: Farra Publications. (Original work published 1389 SH)

- Shafritz, J.M., & Bryk, C.P. (2011). Public Policy in the United States (H.R. Malekmohammadi, Trans.). Tehran: Imam Sadiq University Press.
- Shariati, S., & Azimi Torghabadi, M. (2014). Strategic requirements for the Islamic Republic in managing soft warfare crises. Defense Strategy Journal, 12(4), 5578.
- Sharp, Gene. 2004. The Politics of Nonviolent Action: The Methods. Boston: Extending Horizons Books.
- Strauss, A.L. and J. Corbin. 1998. Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. 2nd Ed: Sage
- Vahid, M. (2007). A discussion on cultural policymaking. Politics Quarterly, 37(3), 287306.
- Vahid, M. (2009). Public Policymaking. Tehran: Mizan Publications.
- Velayati, A.A. (2005). Islamic Culture and Civilization. Qom: Maaref Publications





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی